



راه هموار مدنی‌زاده

چراغ سبز پارلمان به وزیر پیشنهادی



عذرخواهی نماوا

راه نمایش سووشون باز می‌شود؟



دکترهای قلبی

انتشار لیست پزشک‌نماها



تالارهای خالی!

دیگر کسی عروسی نمی‌گیرد



یادداشت روز

فکری بکرو طرحی نو

لازم است

چگونه باید بر پیچیدگی‌ها
در مسیر توافق با آمریکا فائق آمد؟

کوروش احمدی

دیهامات پیشین

کشور ما این روزها در یکی دیگر از برهه‌های حساس تاریخ چند دهه اخیر خود قرار گرفته است. اگرچه در این مدت، برهه غیرحساس کم داشته‌ایم و پیوسته، نفس در سینه‌مان حبس بوده و منتظر خروجی یک برهه حساس بوده‌ایم اما ویژگی برهه حساس کنونی، این است که شرایط بی‌سابقه‌ای از نظر داخلی و منطقه‌ای شکل گرفته که از همه جهت با گذشته، متفاوت است؛ به این دلیل بسیار مهم است که نتیجه مذاکرات جاری با آمریکا چه خواهد بود.

یکی از تفاوت‌های روند مذاکراتی جاری با روند مذاکراتی منتهی به توافق برجام این است که به‌موازات آن، اقداماتی نیز در آژانس در جریان است. این اقدامات در آژانس نیز شاید از جهاتی بی‌سابقه باشد چراکه برخلاف ارجاع ایران به شورای امنیت در ۱۳۸۵ این بار جایی برای خوش‌خیالی برخی در آن دوره و امید بستن به وتوی چین و روسیه نیز نیست. این بار اگر به‌اصطلاح «عدم همکاری ایران با آژانس» امروز و فردا محکوم شود و بعد از فرصتی چند هفته‌ای یا یکی، دوماهه پرونده بار دیگر به شورای امنیت ارجاع شود، هدف تصویب قطعنامه جدیدی علیه ایران در شورا نخواهد بود.

سهولت کار غربی‌ها از این جهت است که ۶ قطعنامه قبلی شورا علیه ایران که در پی برجام مخومه شدند، امکان احیای مجدد دارند و براساس بند ۱۱ قطعنامه ۲۲۳۱ وتوی چین و روسیه در این مورد کاربرد نخواهد داشت؛ بنابراین، این بار ارجاع احتمالی موضوع به شورای امنیت تنها یک هدف را دنبال می‌کند و آن زمینه‌سازی و ایجاد بستر سیاسی لازم برای فعال کردن مکانیسم ماشه جهت احیای ۶ قطعنامه است.

تفاوت دیگر مذاکرات جاری با مذاکرات برجام این است که از نقطه صفر شروع شده و با وجودگذشت بیش از دو ماه و پنج دور مذاکره همچنان در نقطه صفر است. به این معنا که طرفین پشت مانع اول یعنی بودونبود غنی‌سازی داخل ایران گیر کرده‌اند؛ این در حالی است که این موضوع در ۱۳۹۱ یعنی پیش از شروع مذاکرات برجام در عمان حل شده بود. مقامات آمریکایی پس از ضدوتقیض‌گویی‌های اولیه در نهایت از «چهارم می» به بعد، یک‌صدا، مُصر به توقف غنی‌سازی در ایران بوده‌اند؛ گزارش‌های خبری متواتر حاکی از این هستند که در طرح ارائه شده از سوی آمریکا از یک دوره انتقالی صحبت شده که در آن غنی‌سازی اندک در ایران ادامه داشته باشد اما در نهایت پس از ایجاد یک کنسرسيوم منطقه‌ای و تأمین اورانیوم مورد نیاز ایران از این طریق، غنی‌سازی داخل ایران متوقف شود.

مقامات ایرانی روشن کرده‌اند که طرح آمریکا را نمی‌پذیرند و طرح متقابلی که ارائه کرده‌اند قاعدتا باید حاوی تأکید بر ادامه غنی‌سازی داخل ایران باشد. دولت ترامپ اگرچه مایل است در غیاب دستاوردی در سیاست خارجی و نیز با هدف پرهیز از جنگی منطقه‌ای با ایران به‌توافق برسد اما گرفتار سیاست داخلی است.

| ادامه در صفحه ۳

مجلس، مشی انقلابی باید داشته باشد. مجلس، مجلس انقلاب است؛ مشی انقلابی باید داشته باشد. منتها در فهم انقلابی‌گری، مراقب باشید خطا صورت نگیرد انقلابی‌گری فقط سروصدا کردن نیست



رهبر انقلاب در دیدار با نمایندگان مجلس تأکید کردند:

انقلابی‌گری فقط سروصدا کردن نیست

خرد جمعی و به‌دست‌منتخبان یک ملت وضع می‌شوند، اعتبار و ارزش والاتری دارند. رهبر انقلاب وزن حقیقی مجالس جهان را برخلاف وزن حقوقی آنها، متفاوت خواندند و گفتند: جایگاه و اعتبار مجلسی که «متکی بر دین و متشکل از انسان‌های متقی و پاک‌دست بوده و همتش بر عدالت و حمایت از ضعفا و ایستادگی مقابل زورگویان» استوار است، با جایگاه مجلسی که «از افراد لال‌بالی تشکیل شده و کارش، کمک به ظلم و تبعیض، فاصله طبقاتی و حمایت از جنایتکارانی مثل قاتلان غزه» است، از زمین تا آسمان تفاوت دارد.

آیت‌الله خامنه‌ای تأکید کردند: با این ملاک و معیار اساسی، جایگاه مجلس شورای اسلامی و شأن نمایندگان منتخب ملت ایران میان مجالس دنیا نظیر ندارد؛ به علت همین امتیازات است که امام (ره) مجلس را عصاره فضایل ملت می‌نامید. ایشان با اشاره به عملکرد و گرایش‌های متفاوت سیاسی دوره‌های مختلف مجلس، گفتند: با وجود این، جایگاه برجسته و ممتاز مجلس

شورای اسلامی درمجموع با همه مجالس دنیا فرق می‌کند و احترام به آن جزو وظایف همگانی است. رهبر انقلاب اسلامی مجلس شورای اسلامی را مبنای محل عبادت و «مسجدی برپا شده بر اساس تقوا» خواندند و افزودند: در پرتو طبیعت شریف و پاکیزه مجلس شورای اسلامی، هر فکر و کار و تلاش و قانون‌گذاری در آن نوعی عبادت است.

آیت‌الله خامنه‌ای همچنین در نکته‌ای مهم تأکید کردند: این شرافت و پاکیزگی و جایگاه بی‌همتا، البته به‌خودی‌خود بقا و ادامه نمی‌یابد بلکه باید آن را با عمل به الزامات و بایدها و نبایدها، حفظ و اداره کرد که مسئولیت این امر بسیار مهم بر عهده نمایندگان مجلس است.

رهبر انقلاب با تریک ریاست مجدد آقای قالیباف بر مجلس به بیان بایدها و نبایدهای حفظ شأن حقیقی مجلس پرداختند و گفتند: نماینده باید خود را در مقابل خدا و قانون پاسخ‌گو بداند و در پی جلب رضای پروردگار و تأمین مصالح کشور باشد و تسلیم تعارض منافع نشود.

ایشان با اشاره به اهمیت و اثرگذاری سخنان نمایندگان، آنها را به توجه به تأثیر سخنان و اقدامات خود در فضای عمومی و مراقبت از سوءاستفاده از آن سخنان علیه کشور، نظام و منافع ملی فراخواندند و افزودند: سخنی که از منبر مجلس بیان می‌کنید باید امیدبخش و آرامش‌آفرین باشد که البته برخلاف برهه‌ای در گذشته که از بلندگوی مجلس دعوا و اختلاف‌بیرون می‌آمد، امروز مجلس اختلاف‌برانگیز نیست و تا حدود زیادی، آرامش‌بخش است. آیت‌الله خامنه‌ای در بیان نکته دیگری از الزامات حفظ شأن حقیقی مجلس با تأکید بر اینکه سخنان نمایندگان باید نشان‌دهنده عقلانیت و پایبندی به اصول انقلاب باشد، گفتند: خوش آمدن یا نیامدن دیگران در فلان گوشه دنیا نباید روی حرف ما اثرگذار باشد بلکه باید پایبندی به اصول و آرمان‌ها در سخنان نمایندگان برجسته و نشانه عزم و اقتدار و اراده ملی باشد.

| ادامه در صفحه ۲

سازندگی: رهبر معظم انقلاب صبح روز گذشته در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، مجالس قانون‌گذاری دنیا را از لحاظ وزن حقوقی، مشابه دانستند اما تأکید کردند: معیار اصلی قضاوت درباره مجالس جهان، وزن حقیقی یعنی «اهداف، جهت حرکت و مواضع» مجالس است که از این بُعد، جایگاه و شأن مجلس شورای اسلامی در جهان بی‌نظیر است؛ البته دوام و بقای این جایگاه وزین و پرشرافت، الزامات و بایدها و نبایدهایی دارد که نمایندگان مجلس باید به آنها متعهد باشند.

آیت‌الله خامنه‌ای در آغاز سخنانشان، عید سعید غدیر را برای همه عالم اسلام حقیقتاً بزرگ و حاوی مضامین وسیع معرفت اسلامی خواندند و این روز خجسته همچنین میلاد امام هادی را به ملت بزرگ و شریف ایران تبریک گفتند. ایشان، شأن حقوقی مجالس قانون‌گذاری دنیا را مشابه یکدیگر و ناشی از شأن عظیم قانون دانستند و افزودند: قانون، شرط اساسی حیات اجتماعی بشر است و از لحاظ عقلایی، قوانینی که با

ادامه تیتربیک

انقلابی‌گری

فقط سروصدا کردن نیست

ایشان ایستادگی و صراحت بی‌دلیل ملت ایران مقابل باوه‌گویی‌ها و تحمیل‌گری قدرت‌های بزرگ و حضور پرشور و انبوه مردم در مراسم سالگرد ارتحال امام بزرگوار و راهپیمایی ۲۲ بهمن - باوجود تبلیغات بی‌شمار علیه امام و انقلاب- را نشانه‌هایی آشکار از اقتدار و عزم جزم ملی برشمردند و افزودند: این اقتدار باید در مواضع نمایندگان و رد و قبول قوانین و اشخاص دیده شود که البته این خصوصیات تا حد زیادی در مجلس وجود دارد.

رهبر انقلاب با تأکید بر اینکه حفظ انسجام ملی امروز لازم‌تر از همیشه و طرح اختلافات «سلیقه‌ای و سیاسی و کاری» به‌شکل دعوا و یقه‌گیری، زبان‌بارتر از هر زمانی است، افزودند: همچنان که مکرر گفته‌ایم، از کشور در مسائل اساسی باید صدای واحد بیرون بیاید و ملت و مجموعه سیاسی و مدیریتی کشور همچون ید واحده باشند. ایشان هماهنگی و جلسات مشترک روسای قوا را زمینه‌ای مناسب برای حل مسائل کشور دانستند و افزودند: برخلاف برخی دوره‌ها که از توصیه‌ها برای حل مسائل در جلسات و نکشاندن اختلافات به فضای عمومی استقبال خوبی نمی‌شد، امروز همگرایی نسبی‌ای بین قوا وجود دارد که باید با حفظ آن از جبهه‌بندی و تبدیل شدن بلندگوی مجلس به ابزار انعکاس اختلاف جلوگیری کرد.

آیت‌الله خامنه‌ای در بیان برخی توصیه‌های مصادقی، هم‌زمانی آغاز به کار مجلس دوازدهم با آغاز برنامه هفتم را فرصتی برای پیگیری مجدانه آن دانستند و با ابراز نارضندی از تحقق نیافتن مطلوب برنامه‌های سابق گفتند: میزان تحقق برنامه هفتم حداقل باید ۹۰ درصد باشد. البته اجرای بندیند برنامه، احتیاج به قانون و مقررات دارد که باید این نیاز در مجلس تأمین شود.

ایشان با تأکید بر پیگیری مساله مهم تقیح قوانین، نمایندگان را به حضور فعال و همراه با آمادگی و مطالعه در جلسات صحن علنی و کمیسیون‌های مجلس توصیه کردند و گفتند: توصیه دیگر، همکاری با دولت است که یکی از انواع همکاری، پرهیز از مشغول کردن مسئولان دولتی با کثرت سوال و احضار به مجلس است که این مساله جزو شکایت‌های دولت‌های قبل و کنونی است.

رهبر انقلاب با تأکید بر حق مجلس در سوال و احضار وزیران و یا تحقیق و تفحص از دستگاه‌های دولتی در موارد متکی به گزارش‌های رسمی و معتبر افزودند: در اقدامات نظارتی فقط به موارد ضروری و لازم اکتفا کنید.

ایشان دست‌کاری زیاد لوایح اقتصادی در مجلس را باعث از بین رفتن شاکله آنها دانستند و گفتند: شاکله لایحه بودجه نیز باید محفوظ بماند که این به‌معنای نادیده گرفتن حق مجلس در اصلاح ایرادهای لایحه دولت نیست اما شاکله آن حفظ شود و از وارد کردن منابع و درآمدهای غیر واقعی و غیر قابل تحقق در بودجه پرهیز شود.

آیت‌الله خامنه‌ای در بیان الزامی دیگر برای حفظ شأن برجسته مجلس شورای اسلامی با تأکید بر توصیه همیشگی مبنی بر ضرورت مشی انقلابی، تأکید کردند: مجلس مشی انقلابی باید داشته باشد. مجلس، مجلس انقلاب است؛ مشی انقلابی باید داشته باشد. منتها در فهم انقلابی‌گری، مراقب باشید خطا صورت نگیرد. انقلابی‌گری فقط سروصدا کردن نیست. رهبری بیان داشتند: انقلابی‌گری یعنی حرکت در سمت آرمان‌ها، این، پایه اول انقلابی‌گری است. یعنی فراموش نکنیم ما، برای چه انقلاب شده. خیلی از شما جوان‌ها- که بحمدلله مجلس هم مجلسی نسبتاً جوانی است- در دوره انقلاب نبودید، دوره مبارزات نبودید، نهضت را ندیدید. اهداف نهضت چه بوده؟ بیانات امام را نگاه کنید، معلوم می‌شود. در شعارهای انقلاب ملاحظه کنید، معلوم می‌شود. در آرمان‌هایی که برای انقلاب ذکر شده ملاحظه کنید، معلوم می‌شود. از آرمان‌های انقلاب تخطی صورت نگیرد. این، اول پایه انقلابی‌گری است.

ایشان افزودند: بعد هم، شجاعت در ابراز عقیده؛ این انقلابی‌گری است. عقیده را صریح بیان کنند، با صراحت، با بیان درست، محترمانه، عقیده گفته بشود. در محاسبات کاری، یکی از ارکان انقلابی‌گری این است که اغراض شخصی مطلقاً کنار برود؛ رفاقت با یکی، از یکی آدم خوشش می‌آید، از یکی خوشش نمی‌آید- از لحاظ برخورد‌ها، از لحاظ سلیقه سیاسی- در محاسباتی که برای کار انجام می‌گیرد، مسائل شخصی و خودی و سلايق شخصی و این‌ها کنار گذاشته شود. این، انقلابی‌گری است.

رهبر انقلاب، واکنش یکپارچه، قوی و محکم به اظهارات نابخردانه یا اتهام‌آمیز علیه جمهوری اسلامی را از دیگر وظایف نمایندگان و مصادقای از انقلابی‌گری برشمردند.

افزایش اختیارات

تمرکز قدرت استانداران، گامی به‌سوی تمرکززدایی است یا آغازی بر سوء تفاهم فدرالیسم؟



از سوی دیگر، محسن مهرعلیزاده از فعالان سیاسی اصلاح‌طلب سیاسی با اشاره به نگرانی‌های منتقدان ایده افزایش اختیارات استانداران گفت: «از آنجایی که برای اولین بار است که این ایده مطرح می‌شود، ممکن است برخی افراد بدبینانه فکر کنند و چنین دغدغه‌هایی در ذهنشان شکل بگیرد. اما وقتی مسائل معیشتی، توسعه و فقر قوانین در استان‌ها تأمین می‌شود، رضایت مردم افزایش می‌یابد بنابراین وقتی رضایت مردم مطرح است نباید درباره مساله تجزیه و ترسیم و نگران باشیم».

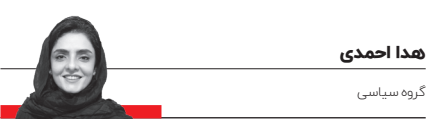
به اعتقاد مهرعلیزاده، اگر کشور را به ۱۰ منطقه تقسیم کنیم و این ۱۰ منطقه به صورت منطقه‌ای (و نه صرفاً استانی) عمل کنند و برخی اختیارات به آنها واگذار شود، مثل همین واگذاری تعیین قیمت نان، اگر در حد منطقه‌ای استقلال نسبی، به‌ویژه در زمینه‌های اقتصادی وجود داشته باشد، این می‌تواند ظرفیت‌های استان‌ها را فعال کند. در مسائل امنیتی، علی‌القاعده این اختیار وجود دارد؛ یعنی استاندار به‌عنوان رئیس شورای تأمین استان عملاً اختیار کامل تأمین امنیت استان را دارد و در این خصوص از سایر وزرا قوی‌تر و صاحب اختیارتر است. در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی نیز می‌توان، اختیاراتی را تفویض کرد. البته شوراهای استانی وجود دارند که این اختیارات را دارند اما در مواردی که اختیار به وزارتخانه‌ها متصل می‌شود باید بیشتر به نفع استان تصمیم‌گیری شود به‌گونه‌ای که در مسائل فرهنگی و اجتماعی، تصمیماتی که شوراها در استان اتخاذ می‌کنند، غالب و اول‌ء باشد. به نظر من، مهم‌ترین چیزی که می‌تواند به نفع استان‌ها، معیشت مردم و توسعه صنعتی و اقتصادی باشد، این است که استان‌هایی که استعداد دارند، در اولویت قرار بگیرند. کلمه «فدرالیسم» تعریف خودش را در غرب دارد. ما نام آن را فدرالیسم نمی‌گذاریم؛ بلکه می‌گوییم این نوعی «استقلال ملی استان‌ها در تصمیم‌گیری‌ها»ست حالا هر اسمی هم که برای آن انتخاب شود. به نظر من این نگرانی‌ها که البته طبیعی هم هستند، همیشه وجود دارد. هر کاری که برای اولین بار خواهد انجام شود، نگرانی‌هایی به دنبال دارد. همان‌طور که اشاره کردید، ممکن است استان‌های مرزی چالش‌هایی ایجاد کنند. اما چرا نگاه مثبتی نداشته باشیم؟

در نهایت باید گفت، آنچه در دولت چهاردهم تحت عنوان تفویض اختیار به استانداران در حال پیگیری است، نه پروژه‌ای برای فروپاشی نظم سیاسی کشور بلکه تلاشی است برای کارآمدتر کردن مدیریت استانی متناسب با ویژگی‌های بومی، اقلیمی و فرهنگی هر منطقه.

۱۴۰۴ اعلام کرد که طرح افزایش اختیارات استانداران در مراحل نهایی تصویب در هیات دولت قرار دارد. به گفته او، این اقدام با تأکید رئیس‌جمهور و بر اساس پیشنهادهای جمع‌بندی شده استانداران پیش می‌رود. همچنین علی پارسا، رئیس امور برنامه و بودجه سازمان برنامه و بودجه کشور و فاطمه مهاجرانی از دیگر مقامات دولتی طی روزهای اخیر بارها بر تمرکززدایی به‌عنوان سیاست اصلی دولت در اداره کشور تأکید کرده‌اند.

در واکنش به برخی انتقادات و ابهامات اما به هر حال برای برخی هنوز این ابهام رفع نشده است که آیا افزایش اختیارات استانداران، فدرالیست شدن است یا خیر؟ حسین مرعشی، دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران درباره برخی شایه‌ها درباره فدرالیستی شدن استان‌ها با افزایش اختیارات استانداران گفت: «اگر بخواهیم مناطق را دسته‌بندی کنیم، می‌توان ایران حداقل را به پنج منطقه کاملاً متفاوت تقسیم کرد. در چنین شرایطی، قوانین و مقررات متمرکز به هیچ عنوان نمی‌تواند تنوع اقلیمی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران را پوشش دهد». مرعشی با ارائه مثالی ادامه داد: «برای نمونه، وقتی از جنگل‌ها صحبت می‌کنیم، جنگل‌های ناحیه استان‌های مازندران، گیلان و گلستان یک ویژگی دارند و جنگل‌های زاگرس ویژگی دیگر. همچنین مسائل موجود در سیستان و بلوچستان هم متفاوت است». مرعشی در گفت‌وگو با خبرنگارن این افزود: «هرچه اختیارات از تمرکز در تهران کاهش یابد و به استانداران و نهادهای تصمیم‌گیرنده استانی واگذار شود، اداره کشور تسهیل می‌شود. همچنین این فرآیند موجب ایجاد رقابت میان استان‌ها می‌شود؛ به نحوی که استان‌های پیشرو شاخص می‌شوند و استان‌هایی که عقب مانده‌اند برای رسیدن به استان‌های موفق تلاش خواهند کرد».

به عقیده دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران «این ایده هیچ چالشی ندارد به جز آنکه بعضی از مقامات که علاقه‌مندند، کنترل امور همچنان در دست آن‌ها باقی بماند». مرعشی با اشاره به ملاحظات خاص مناطق مرزی تأکید کرد: «این افزایش اختیارات نباید با فدرالیسم اشتباه گرفته شود. قرار است اختیارات مدیران استانی افزایش یابد و از چارچوب سیاست‌های کلی کشور خارج شود. مدیران استانی باید در چارچوب مقررات ملی و سیاست‌های کلان حرکت کنند». او درباره برخی شایه‌ها درباره فدرالی شدن استان‌ها گفت: «این ایده برای اداره استان‌هاست و اختیارات در بُعد سیاسی و امنیتی کشور همچنان باید متمرکز باقی بماند».



هدا احمدی

گروه سیاسی

«دولت اختیار می‌دهد اما همچنان در مرکز تصمیم‌گیری می‌ماند» این خلاصه یکی از مهم‌ترین و در عین حال بحث‌برانگیزترین تحولات اجرایی در دولت چهاردهم است. موضوعی که با کیدواژه‌هایی چون تمرکززدایی، توانمندسازی استان‌ها و البته به‌غلط فدرالیسم در فضای سیاسی و رسانه‌ای کشور بازتاب یافته است. در روزهایی که کشور با چالش‌های متنوع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در استان‌ها مواجه است، واگذاری بخشی از اختیارات اجرایی به استانداران به‌عنوان نمایندگان عالی دولت در استان‌ها، به‌ویژه در مناطق مرزی، از سوی دولت مسعود پزشکیان دنبال می‌شود. طرحی که هم مورد حمایت رهبری قرار گرفته و هم دغدغه‌های جدی برخی ناظران و مخالفان را برانگیخته است.

اما این تصمیم به چه معناست؟ چه تغییراتی در نحوه اداره کشور در راه است؟ دولت چهاردهم با هدف ارتقای عملکرد اجرایی، کارآمدی تصمیم‌گیری و نزدیک کردن نهادهای حکمرانی به متن مردم، از ابتدای آغاز به کار خود، مسیر تفویض اختیارات به استانداران را به‌طور جدی در دستور کار قرار داده است. موضوعی که از سال گذشته وارد فاز عملیاتی شده و در حال حاضر برای تصویب در هیات دولت، مراحل نهایی خود را طی می‌کند. رئیس‌جمهور پزشکیان در بهمن سال گذشته در جلسه‌ای با وزیر کشور و استانداران تصریح کرد: «حاضریم در جلسه هیات دولت برای اهداف مشخص شده از سوی استانداران هر اختیاری که بخواهند را واگذار کنیم. به استانداران اعلام کردیم تا نیازهای خود را شناسایی کنند و برای اهداف عملیاتی که می‌خواهند انجام دهند، موارد را مکتوب کنند». این سخن رئیس‌جمهور، سرآغاز گام‌هایی عملی برای واگذاری بخشی از اختیارات اجرایی به‌ویژه در استان‌های مرزی شد. کمیته‌ای سه نفره متشکل از وزیر کشور، رئیس سازمان اداری و استخدامی و معاون حقوقی دولت برای بررسی دقیق این تفویض اختیار تشکیل شد تا چارچوبی قانونی و اجرایی برای تحقق این هدف طراحی کند.

روایی برای توسعه بومی، نه تکه‌تکه شدن ملی

مخالفان این طرح، واژه «فدرالیسم» را به‌عنوان یک اختصار بر زبان رانده‌اند. از نگاه آنان واگذاری اختیار به استانداران می‌تواند، زمینه‌ساز شایه‌هایی مبنی بر استقلال‌خواهی مناطق خاص شود. اما دولتمردان و حامیان این طرح با قاطعیت تأکید می‌کنند: «فدرالیسم واژه‌ای بی‌ربط به این مسیر است». رهبر انقلاب نیز با تأکید بر لزوم افزایش اختیارات استانداران، این موضوع را تأییدی بر ضرورت تغییر در ساختار اجرایی کشور دانستند؛ تأییدی که به وضوح نشان می‌دهد این روند برای ترمیم شکاف‌های مدیریتی و تمرکزگرایی شدید در اداره کشور است. اسکندر مومنی، وزیر کشور در اردیبهشت‌ماه

پارلمان

راه هموار مدنی‌زاده

گام مثبت پارلمان به سوی اعتماد به وزیر پیشنهادی مسعود پزشکیان

گروه سیاسی: در نخستین گام جدی مجلس دوازدهم برای تعیین وزیر جدید امور اقتصادی و دارایی، کمیسیون اقتصادی مجلس با اکثریت قاطع به برنامه‌های سیدعلی مدنی‌زاده، گزینه پیشنهادی دولت برای این وزارت‌خانه، رای مثبت داد. این تصمیم نشانه‌ای مهم از حمایت اولیه پارلمان از سیاست‌های اقتصادی دولت چهاردهم به شمار می‌آید.

حال طبق روایی که قوه مقننه اعلام کرده، جلسه رای اعتماد به وزیر پیشنهادی اقتصاد روز دوشنبه ۲۶ خرداد برگزار خواهد شد. در این جلسه گزارش رسمی کمیسیون اقتصادی نیز درباره برنامه‌ها و صلاحیت‌های مدنی‌زاده قرائت می‌شود. گزارشی که اکنون می‌توان گفت با رای موافق اکثریت اعضای کمیسیون رنگ تأیید گرفته است. در همین راستا میثم طهوریان، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس با تأیید این خبر گفت: «اکثریت اعضای کمیسیون پس از بررسی‌های دقیق با برنامه‌های مدنی‌زاده موافقت کردند». از مجموع ۲۳ عضو این کمیسیون تخصصی ۱۵ نفر رای مثبت، ۵ نفر رای منفی و ۳ نفر نیز رای ممتنع داد‌اند. این آمار نشان‌دهنده موافقت قاطع کمیسیون با حضور مدنی‌زاده در رأس وزارت اقتصاد است. بر اساس ماده ۲۰۲ آیین‌نامه داخلی مجلس، فرآیند بررسی وزرای پیشنهادی به این شکل است که پس از اعلام وصول نامه معرفی وزیر، کمیسیون‌های تخصصی موظف‌اند، ظرف یک هفته گزارش خود را درباره تطابق برنامه‌ها و سوابق وزیر پیشنهادی با اسناد بالادستی



نکته قابل تأمل اینکه وزارت امور اقتصادی و دارایی در بیش از سه ماه گذشته با سرپرستی اداره می‌شده و همین مساله، ضرورت تعیین وزیر ثابت برای این وزارت‌خانه کلیدی را دوچندان کرده است. از آنجا که این وزارت‌خانه مسئول اجرای سیاست‌های پولی، کنترل تورم، مدیریت بدهی‌های دولت و تأمین مالی پروژه‌های عمرانی است، انتخاب فردی با توان اجرایی بالا می‌تواند به تثبیت شرایط اقتصادی کشور کمک کند. در نهایت می‌توان چنین نتیجه گرفت که با توجه به رای مثبت مجلس به همه وزرای پیشنهادی دولت چهاردهم در جلسات پیشین، احتمال همراهی دوباره مجلس با دولت در انتخاب مدنی‌زاده نیز قوت گرفته است. جلسه روز دوشنبه می‌تواند، نشان‌دهنده انسجام بیشتر بین قوه مقننه و مجریه برای عبور از بحران‌های اقتصادی و ساماندهی ساختار مالی کشور باشد.

سه‌جانبه در نروژ

عراقچی در حاشیه بیست‌ودومین مجمع جهانی اسلو با همتایان مصری و عمانی خود دیدار کرد

و سه نفر به تبادل نظر در خصوص مسائل جاری منطقه‌ای پرداختند.

توافق در دسترس است

عراقچی هم‌زمان با حضورش در نروژ و برگزاری بیست‌ودومین دوره مجمع جهانی اسلو در شبکه ایکس نوشت: «روشن است توافقی که بتواند استمرار ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران را تضمین کند، در دسترس است». او در این پیام افزود: «رئیس‌جمهور ترامپ هنگام ورود به کاخ سفید اعلام کرد که ایران نباید سلاح هسته‌ای داشته باشد. این موضع درواقع با دکترین خود ما هم‌راستاست و می‌تواند به‌عنوان پایه اصلی یک توافق مورد استفاده قرار گیرد». رئیس دستگاه دیپلماسی کشورمان اظهار کرد: «با از سرگیری مذاکرات در روز یکشنبه، روشن است توافقی که بتواند استمرار ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران را تضمین کند، در دسترس است و حتی می‌توان به‌سرعت به آن دست یافت. چنین توافقی که برای هر دو طرف نتیجه‌بخش باشد، موکول به ادامه برنامه غنی‌سازی ایران تحت نظارت کامل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و رفع مؤثر تحریم‌هاست».

واکنش ایران بسیار کوبنده خواهد بود

پیام عراقچی در حالی منتشر شده که در پی ارائه قطعنامه ضدایرانی از سوی تروئیکای اروپا (آلمان، فرانسه و انگلیس) و آمریکا به شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، رضا نجفی، نماینده ایران نزد آژانس در گفت‌وگویی با خبرگزاری فرانسه هشدار داد که نجفی در گفت‌وگویی با این رسانه، گزارش اخیر آژانس درباره نظارت و راستی‌آزمایی در برنامه هسته‌ای ایران را رد کرده و گفت که این نتیجه‌گیری فاقد مبنایی محکم و مستند بوده و بسیاری از موارد مطرح شده در این گزارش به مسائل گذشته اشاره دارد. نماینده ایران در آژانس همچنین اعلام کرده ادعای اینکه ایران کاملاً با آژانس همکاری نمی‌کند، غیرقابل قبول است. به‌گفته نجفی این قطعنامه با «انگیزه سیاسی» ارائه شده است.

انتقاد اولیانوف

در این راستا میخائیل اولیانوف، نماینده دائم روسیه نزد سازمان‌های بین‌المللی در وین (چهارشنبه) و طی پیامی در کانال تلگرامی خود اعلام کرد که تروئیکای اروپایی و آمریکا، پیش‌نویس قطعنامه‌ای را در رابطه با برنامه هسته‌ای ایران به شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ارائه داده‌اند که اولیانوف همچنین تأکید کرد که ایسن قطعنامه در صورت تصویب، وضعیت فعلی را حتی بدتر خواهد کرد. او همچنین با اشاره به اقدامات مخرب غرب علیه ایران در زمانی که تهران به تعهدات خود پای‌بند بوده است، تصریح کرد که هرگونه تلاش برای متهم کردن ایران به نقض برجام بدون در نظر گرفتن تمام عوامل و منطق تحولات، چیزی جز تحریف عامدانه واقعیت نیست.

ادامه یادداشت روز

فکری بکرو طرحی نو لازم است

تصور ترامپ این است که هرگونه توافقی که در خطوط اصلی‌اش به برجام شبیه باشد به‌لحاظ سیاسی برای او خسارت‌بار خواهد بود؛ خاصه آنکه افراطیون جمهوری‌خواه، لابی اسرائیل، مبلغ‌های مسیحی تبشیری و تنوکان‌ها داخل آمریکا و اسرائیل در خارج مشغول روغن‌کاری توپ‌خانه نیرومند خود برای شلیک به هر توافقی شبیه به برجام هستند؛ در چنین هنگامه‌ای، ترامپ بیشتر نگران استفاده دموکرات‌ها از فرصت در انتخابات سرنوشت‌ساز کنگره در سال آینده است.

اگر به‌گونه‌ای غنی‌سازی در نهایت مورد قبول ترامپ قرار گیرد، ممکن است کار در ارتباط با دیگر مقولات مانند راستی‌آزمایی برنامه اتمی ایران و بحث رفع تحریم‌ها بسیار دشوارتر از برجام باشد. تاکنون ترامپ و اطرافیانش صحبت‌هایی درباره دائمی شدن محدودیت‌ها و نیزدرفتن بندهای غروب کرده‌اند؛ این مساله می‌تواند به‌معنای تمایل به دائمی کردن قطعنامه ۲۳۳۱ به شمول مکانیسم ماشه باشد.

از طرف دیگر در طرح طرف آمریکایی هیچ صحبتی از رفع تحریم‌ها نشده است؛ از محتوای این طرح و اشارات مقامات آمریکایی برمی‌آید که گویا قصد دارند، کاهش تنش و رفع تهدید نظامی و مهار اقدامات اطلاعاتی - امنیتی اسرائیل را به‌عنوان مایه‌ازای تعهدات ایران ارائه کنند. استیو ویتکاف دو هفته پیش خیلی روشن این معنا را در مورد بندهای غروب و تحریم‌ها در مصاحبه با (Breitbart) اعلام کرد.

خلاصه کلام اینکه مذاکرات بسیار دشواری در جریان است و معلوم نیست از طریق چانه‌زنی‌های معمول، بتوان به نتیجه‌ای مطلوب و به‌موقع برای برداشتن بختک تحریم و بلاتکلیفی از روی اقتصاد و جامعه ایران رسید. روشن نیست که در نهایت حتی اگر به توافقی مبتنی بر محورهای اصلی برجام که به‌ظاهر بهترین خروجی مدنظر برای ایران است، دست یابیم چنین توافقی، بار دیگر با کاستی‌های برجام مواجه نباشد و دیر یا زود به همان سرنوشت مبتلا نشود.

بنابراین، فکری بکر و طرحی نو برای خروج از این معضل ضروری است؛ تمرکز موردی و مقطعی بر برخی مسائل ممکن است دیگر جوابگوی حساسیت‌های زمانه نباشد. نظرخواهی از خبگان سیاسی کشور، راهی معقول و منطقی در چنین شرایطی است. پیشنهاد نگارنده، همیشه تلاش برای حل همه مسائل موجود میان ایران و آمریکا بوده است.

دیپلماسی

تردید ترامپ

ابراز عدم اطمینان رئیس‌جمهور آمریکا به توافق با تهران از کجا نشات می‌گیرد؟

فرشاد گلزاری

گروه بین‌الملل



این روزها، بازار اظهارات ترامپ به‌شدت داغ است؛ از یک‌سو او در مورد اوکراین و مدل مواجهه با روسیه در حال بندبازی است تا به‌زم خود بتواند یک چارچوب مورد قبول از نظر خود را طراحی و اجرا کند؛ از سوی دیگر همچنان به‌دنبال تحت‌فشار قرار دادن چین و اروپا در محورهای مختلف تعرفه‌ای و بحث ناتو است که البته در این دو موضوع به‌دنبال دستیابی به توافق است. در سمتی دیگر او در حال کلنجار رفتن با دموکرات‌ها و معترضان است که حالا نه‌تنها در نقاط مختلف کالیفرنیا بلکه در کف خیابان‌های ایالت کنتاکی و جورجیا واقع در جنوب و جنوب‌شرقی ایالات‌متحده علیه سیاست مهاجرتی او دست به اعتراض زده‌اند. تمام این مسائل را باید در کنار وضعیت غزه و درخواست‌های گادوبی‌گاه اسرائیل از ترامپ در قبال این منطقه و حتی ایران قرار داد؛ این در حالی است که ترامپ و تیم سیاست خارجی او پنج دور با تیم مذاکره‌کننده ایران در ژم و مسقط با میانجی‌گری عمان مذاکره غیرمستقیم انجام داده‌اند. اگر نگاهی گذرا به اظهارات مقامات ایالات‌متحده و شخص ترامپ از چند هفته پیش تاکنون ببیندازیم به‌وضوح می‌بینیم که آنها به‌طور دائم در حال مخابره پیام‌های منفی و مخرب به سبک خود هستند که البته ستون فقرات آن را باید مساله غنی‌سازی ایران دانست.

ترامپ در تازه‌ترین اظهارات خود درباره مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا در گفت‌وگو با روزنامه نیویورک‌پست گفت که امید خود را نسبت به اینکه ایران در توافق هسته‌ای جدید احتمالی با ایالات‌متحده، غنی‌سازی اورانیوم را متوقف کند، از دست می‌دهد اما همچنان مصمم است که اجازه ندهد، تهران به سلاح اتمی دست یابد. او در پاسخ به این سوال که آیا فکر می‌کند، می‌تواند ایران را به توافق برای تعطیلی برنامه هسته‌ای‌اش متقاعد کند، اظهار کرد: «نمی‌دانم. زمانی این‌طور فکر می‌کردم اما روزی‌به‌روز، بیشتر و بیشتر، اطمینانم نسبت به آن کمتر می‌شود».

رئیس‌جمهور آمریکا در بخشی از مصاحبه خود که با میراندا دیواین، ستون‌نویس نیویورک‌پست انجام داده، مدعی شده که به‌نظر می‌رسد که آنها (ایران) در حال تعلل هستند و فکر می‌کنم این شرم‌آور است اما اکنون نسبت به چند ماه پیش، کمتر مطمئن هستم. اتفاقی برای آنها افتاده است اما من برای رسیدن به توافق بسیار کمتر مطمئن هستم. به‌گزارش ایسنا، او در پاسخ به این سوال که «سپس چه اتفاقی خواهد افتاد؟» با تکیه بر ادعاهای گذشته غرب و آمریکا درباره ماهیت برنامه هسته‌ای ایران گفت: اگر آنها توافق نکنند، سلاح



هسته‌ای نخواهند داشت. اگر توافق کنند هم سلاح هسته‌ای نخواهند داشت. به هر ترتیب، آن‌ها سلاح هسته‌ای جدیدی نخواهند داشت؛ بنابراین از این نظر مهم نیست.

ترامپ بار دیگر در اظهارات خود اعلام کرد که بهتر است این کار را بدون جنگ انجام دهند بدون اینکه مردم بمیرند، انجام این کار بسیار بهتر است اما فکر نمی‌کنم همان سطح از اشتیاق را برای آنها در رسیدن به توافق ببینم. فکر می‌کنم آنها اشتباه می‌کنند اما خواهیم دید. به‌نظر زمان همه چیز را مشخص خواهد کرد.

رئیس‌جمهور ایالات‌متحده در پاسخ به سوال نیویورک‌پست، احتمال تأثیر چین بر تصمیم تهران برای مقاومت مقابل خواسته‌های آمریکا را رد کرد و گفت: به‌نظر شاید آنها نمی‌خواهند، توافق کنند و شاید هم می‌خواهند؛ هیچ چیز قطعی نیست.

ترامپ حرف آخر را می‌زند؟

اگرچه اظهارات جدید ترامپ، آن‌هم در مصاحبه به نیویورک‌پست که روزنامه‌ای با گرایش سیاسی راست به‌حساب می‌آید، در معنای کلی و از حیث شکلی می‌تواند مهم باشد اما واقعیت این است که از منظر ماهوی، او بارها همین مواضع را اتخاذ کرده است؛ حالا فقط بحث سسر این است که اعلام می‌کند، بابت توافق با تهران مطمئن نیست و از اساس، امیدواری را در این مقوله کنار می‌زند. فارغ از این مسائل باید توجه کرد که نگرش ترامپ و تیم او، تحت‌تأثیر دو یا چند عامل قرار گرفته است.

عامل اول، تغییر مواضع یک‌باره (نه پلکانی) واشنگتن در قبال تهران است؛ به‌عنوان مثال، استیو ویتکاف، فرستاده ویژه ترامپ در غرب آسیا که ماه‌ها در حال مذاکره غیرمستقیم با تهران است،

وبترین: تازه‌های کتاب

داستان جسارت و نوآوری

ماجرای قلب روایت‌هایی داستانی از جراحی‌های قلب است



طه‌حسین فراهانی

روزنامه‌نگار

کتاب «ماجرای قلب» نوشتهٔ توماس موریس، اثری بی‌نظیر و دقیق است که روند تحولات جراحی قلب را از دوران ابتدایی‌ترین تلاش‌ها تا فناوری‌های پیشرفته امروز به تصویر می‌کشد. این کتاب نه تنها شرحی از مراحل فنی و علمی پیشرفت‌های این رشته است بلکه داستانی انسانی از تلاش، امید و گاه شکست جراحانی است که با شجاعت، دانش و حتی ریسک‌پذیری زیاد مسیر درمان بیماری‌های قلبی را تغییر داده‌اند. روایت کتاب در قالب یازده عمل جراحی برجسته تنظیم شده که هرکدام نمادی از نقطه عطفی در تاریخ پزشکی قلب هستند؛ از نخستین ترمیم قلب در سال ۱۸۹۶ تا تکنیک‌های پیچیده‌ای که امکان جراحی روی نوزادان داخل رحم را فراهم کرده‌اند.

یکی از ویژگی‌های برجسته این کتاب، پرداختن به دو جنبهٔ اصلی هم‌زمان است: نخست، شرح دقیق و علمی عملکرد قلب و مشکلات متداول آن که خواننده را با ماهیت این عضو حیاتی آشنا می‌کند و دوم، روایت تأثیرگذار انسان‌هایی که در پشت صحنهٔ این پیشرفت‌ها قرار دارند؛ جراحانی که در برابر باورهای رایج زمانه مبنی بر اینکه «قلب نباید به تیغ جراحی سپرده شود» ایستادند، بیماران با شجاعتی مثال‌زدنی و حتی آزمایش‌هایی که با استفاده از حیوانات انجام شده است.

«ماجرای قلب» برای کسانی که علاقه‌مند به پزشکی، فناوری و تاریخ علم هستند به عنوان یک منبع معتبر و جذاب شناخته می‌شود. این کتاب روایت‌گر لحظات سرنوشت‌ساز در مسیر توسعه علم جراحی قلب است که نه فقط با تکنولوژی بلکه با اراده انسانی شکل گرفته؛ داستانی که در پس پیشرفت‌ها، با ریسک‌ها، شک و گاه شکست همراه بوده است.

توماس موریس، نویسنده کتاب، اهل ولز است و پیشینه‌ای غنی در زمینهٔ ادبیات و فلسفه دارد. او تحصیلات دانشگاهی خود را در حوزه زبان انگلیسی، فلسفه و نویسندگی خلاق در ایرلند و بریتانیا گذرانده و از سال‌ها فعالیت در عرصهٔ ادبیات و روزنامه‌نگاری بهره‌مند است. موریس بیشتر به عنوان نویسنده داستان‌های کوتاه شناخته شده اما در حوزهٔ کتاب‌های غیرداستانی نیز موفقیت‌های چشم‌گیری داشته است. او هم‌چنین در زمینهٔ ادبیات ولزی و حمایت از زبان و فرهنگ منطقه‌اش فعال است و با مجلهٔ «The Stinging Fly» ارتباط دارد؛ مجله‌ای معتبر که محلی برای نشر آثار نویسندگان جوان و مستعد است. موریس علاوه بر نوشتن در زمینهٔ سیاست فرهنگی و استقلال ولز نیز دیدگاه‌هایی دارد که بارها مطرح کرده است.

نویسنده با تسلط بر زبان و دانش پزشکی، توانسته است کتابی بنویسد که هم از نظر علمی دقیق و مستند باشد و هم به واسطهٔ مهارت روایتی، جذابیت خود را حفظ کند. این تعادل بین دانش فنی و روایت داستانی، کتاب «ماجرای قلب» را به اثری ارزشمند در ادبیات پزشکی تبدیل کرده است. کتاب «ماجرای قلب» به عنوان یکی از برجسته‌ترین آثار حوزه تاریخ پزشکی و جراحی قلب شناخته شده و توانسته جوایز مهمی را کسب کند. از جمله مهم‌ترین این جوایز، جایزه «آراس‌آل جروود» در بخش غیر داستانی است که به این کتاب اهدا شد. این جایزه نشان‌دهنده کیفیت بالای تحقیق، نگارش و تأثیرگذاری کتاب است.

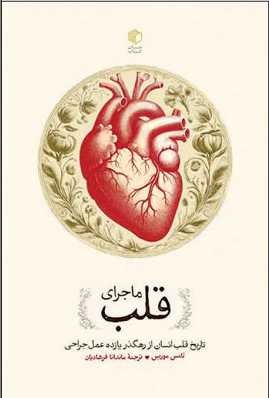
منتقدان بزرگ جهانی نیز به اتفاق بسر ارزش این اثر صحه گذاشته‌اند. برای نمونه، استیفن وستایی در روزنامه «وال‌استریت

ژورنال» کتاب را تاربخچه‌ای بسیار جذاب و سرشار از احساسات انسانی در دوران دشوار جراحی قلب معرفی کرده است. او به خوبی توانایی موریس در بازتاب دادن همزمان شادی‌ها و رنج‌های آن دوران را ستوده است. ارین بلیک‌مور از روزنامه «واشینگتن پست» کتاب را بیشتر از یک روایت پزشکی دانسته و به شخصیت‌های غنی و داستان‌های انسانی آن اشاره کرده که فراتر از صرف یک فهرست، پیشرفت‌های علمی است. همچنین ناشران حرفه‌ای مثل «پابلیشرز ویکلی» این اثر را راهنمایی کارشناسانه و گسترده توصیف کرده‌اند که چشم‌اندازهای هیجان‌انگیزی از آینده جراحی قلب ترسیم می‌کند.

از دیگر نکات مورد تأکید منتقدان، توانایی موریس در ترکیب علم، فناوری و درام انسانی است. این کتاب به زبانی گیرا نه تنها پیشرفت‌های علمی بلکه مبارزه‌های انسانی، پشتکار و گاه دشمنی‌های نهفته در تاریخ پزشکی را به تصویر می‌کشد. همه این عوامل «مساله قلب» را به اثری فراتر از یک کتاب پزشکی صرف تبدیل کرده‌اند.

مترجم فارسی کتاب «ماجرای قلب»، خانم ماندانا فرهادیان است که با دانش و تسلط خود در زبان مبدا و مقصد توانسته ترجمه‌ای روان، دقیق و قابل فهم ارائه دهد. ترجمه این کتاب به دلیل موضوع تخصصی و حجم زیاد مطالب علمی و تاریخی، کار دشواری بود که فرهادیان با دقت و حوصله انجام داده است. او تلاش کرده است، تعادل بین ارائه اطلاعات فنی و حفظ جذابیت روایی را حفظ کند تا مخاطب فارسی‌زبان بتواند به خوبی با متن ارتباط برقرار کند. ترجمه این اثر در سال ۱۴۰۳ توسط نشر مان کتاب در ۴۴۸ صفحه منتشر شده است. انتخاب مترجم برای این کتاب نشان‌دهنده حساسیت ناشر به کیفیت ترجمه و رساندن دقیق پیام کتاب به مخاطب ایرانی است.

نویسنده لحظات نفس‌گیر پیچیده‌ترین جراحی‌های قلب را روایت می‌کند، لحظاتی که در آن‌ها بنیان درمان‌هایی گذاشته شد که امروزه دیگر بسیار متداول شده‌اند اما روزگاری جز در بافت آثار علمی تخیلی باورپذیر به نظر نمی‌آمدند. اما تامس موریس به شرح جزئیات فنی آنچه در اتاق‌های عمل و آزمایشگاه‌ها می‌گذشته، بسنده نکرده است. او هم‌چون داستان‌نویسی زبردست پس‌زمینهٔ این رویدادهای خارق‌العاده را نیز، با جزئیاتی دقیق و حیرت‌انگیز، پیش روی خوانندگان می‌گذارد؛ زندگی پزشکی‌ای که به چنان شهرتی رسیدند که با ستارگان هالیوود معاشر شدند و به صفحات مجلات راه یافتند؛ خیاطانی که به خواب هم نمی‌دیدند توانایی‌شان در دوخت‌ودوز، جان انسان‌ها را نجات دهد؛ مبتکرانی که خلاقیت جنون‌آسایشان در ابتدا ریشخند نصیب‌شان کرد و بعدها آنان را بر صدر نشاند.



ماجرای قلب

تاریخ قلب انسان در یازده عمل جراحی تامس موریس ترجمه ماندانا فرهادیان نشر مان کتاب ۴۴۸ صفحه ۸۷۰ هزار تومان

فردوسی در مسکو تولستوی در تهران

افتتاحیه هفتهٔ فرهنگی روسیه در ایران

هفتهٔ فرهنگی روسیه در ایران با حضور سیدعباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران، الگا باریسونا لوییماوا وزیر فرهنگ روسیه، گروه‌های موسیقی و رقص سنتی روسی هم‌چنین تعدادی از علاقه‌مندان فرهنگ و هنر روسی در تالار وحدت برگزار شد. در ابتدای مراسم وزیر فرهنگ روسیه، خانم الگا باریسونا لوییماوا، گفت: «حضور شما را در آیین افتتاحیهٔ هفته فرهنگی روسیه در ایران خیرمقدم عرض می‌کنم. روابط فرهنگی میان ایران و روسیه تاریخی دیرینه و چندصدساله دارد که بر پایهٔ احترام متقابل، فرهنگ غنی دو ملت و تلاش مشترک برای صیانت از تاریخ مشترک‌مان شکل گرفته است. بی‌دلیل نیست که تصمیم به برگزاری این رویداد بزرگ فرهنگی در بالاترین سطح، یعنی در جریان نشست سران ایران و روسیه در دی ماه سال گذشته در مسکو، اتخاذ شد. برای هفته فرهنگی روسیه در ایران برنامه‌های متنوعی تدارک دیده شده که در شهرهای تهران و اصفهان برگزار خواهند شد. از آن جمله شاهد اجرای گروه‌های نامدار موسیقی، اجرای نمایش‌های مختلف و نمایش صنایع دستی و فیلم و... خواهند بود. امشب برای من افتخار بزرگی است که کنسرتی ویژه و منحصر به فرد را به ایرانیان تقدیم کنم؛ برنامه‌ای که طیف وسیعی از هنر موسیقی روسیه را در بر می‌گیرد. در این تالار باشکوه در قلب تهران، تکنوازان سرشناسی در کنار ارکستر سمفونیک چایکوفسکی هنرنمایی خواهند کرد. از صمیم قلب از دوستان ایرانی برای همکاری‌ها و مساعدت‌های همه‌جانبه در برگزاری این رویداد سپاسگزارم.»

فردوسی، خیام، سعدی و حافظ در روسیه

در ادامه سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران گفت: «خانم وزیر فرهنگ فدراسیون روسیه! مهمانان

گزارش: سینیمای جهان

چشمکی به پولانسکی

افسر و جاسوس پس از ۶ سال به‌طور محدود به اکران درمی‌آید

«افسر و جاسوس» ساخته رومن پولانسکی ۶ سال پس از کسب جایزه جشنواره ونیز، سرانجام امکان نمایش در آمریکا را به‌دست آورد.

رومن پولانسکی سال ۲۰۱۹ فیلم «افسر و جاسوس» که به‌عنوان یکی از بهترین فیلم‌های او شناخته می‌شود را ساخت. این فیلم جایزه بزرگ هیات داوران جشنواره فیلم ونیز را به‌دست آورد و چند ماه بعد، کاندیدای ۱۲ جایزه سزار فرانسه شد؛ در نهایت، جایزه بهترین کارگردانی را برای پولانسکی به ارمغان آورد؛ با این حال، با وجود همه این موفقیت‌ها، با توجه به پرونده قدیمی و جنجال‌هایی که این کارگردان در آمریکا با آنها روبه‌رو است، این فیلم تاکنون مجوز نمایش در آمریکا را نداشت. هم‌زمان با اکران این فیلم در فرانسه، اتهام جدید تجاوز به رومن پولانسکی وارد و موجب شد، اکران این فیلم در پاریس با اعتراض روبه‌رو شود؛ یک بازیگر فرانسوی ادعا کرد در سال ۱۹۷۵ زمانی که تنها ۱۸ سال داشته، این کارگردان به او تعرض کرده است. پولانسکی از طریق وکیلش این اتهام را رد کرد اما نزدیک به ۴۰ نفر از معترضان به‌دنبال اولین اکران «افسر و جاسوس» این کارگردان لهستانی – فرانسوی، مقابل سینما «رو شمولین» جمع و مانع نمایش فیلم شدند؛ این در حالی بود که این فیلم در دیگر سینماهای فرانسه بدون مشکل به نمایش درآمد.

یکی از این معترضان گفت، لغو این اکران یک پیروزی نیست، پیروزی این است که مصونیت متجاوزان به پایان برسد. پولانسکی که خود با اتهامات جنسی جدی‌ای مواجه بوده است و سال‌هاست، در تبعید به‌سر می‌برد، پیش‌تر اعلام کرده بود که تجربیات شخصی‌اش از «بی‌عدالتی و سرکوب»، الهام‌بخش این فیلم بوده است؛ او در یادداشتی نوشته بود: «هر دوی ما، قربانی سیستم‌هایی شدیم که به‌دنبال حقیقت نبودند».

اکنون ۶ سال پس از نمایش «افسر و جاسوس» در اروپا سرانجام فیلم در آمریکا هم اکران خواهد شد و اولین نمایش سینمایی خود را «۸ آگوست» (۱۷ مرداد) در انجمن فیلم

گرامی! سرآمدان سپهر فرهنگ و هنر! گردهمایی هم‌دلا نه شما را خوشامد و بریایی هفته فرهنگی روسیه در ایران را شادباش می‌گویم. مایه خرسندی و شادمانی بسیار است که امروز پذیرای نمایندگان یک فرهنگ کهن هستیم. فرهنگی سرشار از آموزه‌های درست و دل‌نشین که بزرگانی چون چخوف و تولستوی و داستایوفسکی و... آینه‌دار آن هستند. ادبیاتی آکنده از هم‌زیستی دوستانه و روادارانه که در ایران ما خوانندگان بسیار دارد. درخت پیوندهای فرهنگی ایران و روسیه تاریخی دراز دارد؛ از گذشته‌های دور شاهنامه فردوسی در روسیه خوانده می‌شد و سروده‌های زندگی‌بخش خیام بخشی از شادمانه‌های مردم ادب‌دوست مردم روسیه بوده و هست. همچنین سعدی و حافظ خواستگاران فراوان در آن خاک فرهنگ و ادب دارند. ایسن پهلوانان پهنه فرهنگ و ادب در میان مردمان دو کشور، هم زندگی سخت و دشوار را در کام خوانندگان شیرین می‌کردند و هم پلی استوار برای پیوندهای فرهنگی و ادبی بودند. ما و شما با نگاهی به این گنجینه‌های ارزشمند، پیام‌آور دوستی و داد در میان مردم جهان بوده و هستیم. امروز با سربلندی به پیمان‌نامه فراگیر همکاری‌های دوسویه بین ایران و روسیه می‌پردازم که نشانه‌ای از خواست ما برای ساختن آینده‌ای روشن و نویدبخش است. مرزها را انسان‌ها ساخته‌اند تا مردمان را پشت دیوارهای ساختگی گرفتار نمایند ولی در آسمان فرهنگ و همدلی هیچ مرزی نیست. دوستی، مرز و دیوار نمی‌شناسد. بزرگان ما و شما این ارزش بنیادی را به صد زبان بازگو کرده‌اند.» در ادامهٔ این مراسم، گروه‌های مختلف به اجرای ارکستر سمفونیک چایکوفسکی، موسیقی، رقص سنتی، حرکات موزون و پرشور اقوام قفقاز، گروه لرگینکا، تک‌نوازی و... بر روی صحنه آمدند و مورد استقبال و تشویق حاضران قرار گرفتند.



عذرخواهی نماوا

آیا با عذرخواهی نماوا، راه برای نمایش سووشون باز خواهد شد؟

«کنسرتینو» را نیز پخش می‌کرد و از آرشیو محصولات خارجی بهره می‌برد که توسط دوبلورهای شناخته شده به فارسی برگردان شده بود که به خصوص در بخش کودک در اثر به‌روزرسانی مداوم و کیفیت قابل قبول دوبله، مخاطب قابل‌توجهی داشت.

در روزهای اخیر، حسن فتحی، سریال‌ساز صاحب‌نام تلویزیون و شبکه نمایش خانگی که آثاری چون «پهلوانان نمی‌میرند»، «شب دهم» و «شهرزاد» را در کارنامه دارد، در انتقاد به این مسدودیت، یادداشتی منتشر کرد و این اتفاق را آسیبی ویران‌گر به کسب‌وکار تولیدات فرهنگی دانست. اسماعیل عقیقه، تهیه‌کننده باسابقه نیز که محصولاتی همانند «جبران»، «پس از باران» و «میوه ممنوعه» را تهیه کرده است در یادداشتی نسبت به این اتفاق واکنش نشان داد و مسدودی پلتفرم را اقدامی خطرناک توصیف کرد که می‌تواند تیشه به ریشه نهال نوپای نمایش خانگی بزند.

در روزهای گذشته، هیأت‌مدیره انجمن شرکت‌های نمایش ویدئوی آنلاین نیز در بیانیه‌ای در این باره از تصمیم‌گیران پرسید: «چرا به جای مسدودسازی کانال‌ها و شبکه‌های ماهواره‌ای که بی‌وقفه محتوای قانونی پلتفرم‌ها را به تاراج می‌برند، پلتفرم قانونی قربانی می‌شود؟ آیا این رفتار جز تضعیف پلتفرم‌های داخلی و تشویق کاربران به مهاجرت به بسترهای غیررسمی، نتیجه دیگری خواهد داشت؟» الیاس حضرتی، رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت هم در این زمینه نوشت: «نباید برای یک اشتباه دسترسی به کل پلتفرم و تمام محتوای آن محدود شود، می‌توان مشکل همان بخش را حل کرد و امیدواریم و پیگیر هستیم که این مشکل حل شود». در واکنش به این اتفاق، جمعی از کاربران پلتفرم‌های وی‌اودی هم با امضای یک طومار اینترنتی، خواستار رفع انسداد نماوا و بازگشت این سرویس به فعالیت شدند.

در اطلاعیه نماوا خطاب به مخاطبان این پلتفرم آمده است که در حال حاضر با مساعدت‌های دادستانی محترم همچنین پیگیری و حمایت‌های ساترا، مسیر پرونده به‌سرعت درحال رسیدگی است و ان‌شالله در چند روز آتی، مشکلات این پلتفرم برطرف خواهد شد.

ضمناً خاطر‌نشان می‌سازد، اقدام این پلتفرم در خصوص پخش بخش‌های بدون مجوز از قسمت اول سریال به‌تصویر کشیدن اثرات زیان‌بار و خفت‌بار استعمار بوده و هدفی در خصوص جریحه‌دار کردن افکار عمومی و یا تخریب شئون‌ات اسلامی نداشته است لکن چنانچه پخش این صحنه‌ها باعث ناراحتی و نگرانی اقشار جامعه شده، این پلتفرم مراتب دل‌جویی خود را از همین طریق نسبت به آنان اعلام می‌دارد.

لازم به ذکر است، نماوا همواره خود را موظف به رعایت موازین قانونی، شرعی و اخلاقی در فرآیند تبلیغ، تولید و انتشار محتوا دانسته و می‌داند؛ بنابراین، از این پس با دقت و حساسیت بیشتر در کلیه مراحل تولید و پخش آثار از بروز موارد مشابه جلوگیری کرده و مانع از تکرار هرگونه محتوای مغایر با ارزش‌های جامعه می‌شویم.

به‌اطلاع می‌رساند، پلتفرم نماوا تا زمان دریافت تایید نهایی از مراجع محترم قضایی و قانونی از هرگونه تبلیغ، بازنشر و انتشار قسمت‌های جدید سریال «سووشون» خودداری خواهد کرد. از همراهی و درک شما مردم عزیز ایران سیاست‌گذار هستیم و امید داریم با اصلاح مسیر، بتوانیم بار دیگر شایستگی اعتماد شما را به‌دست آوریم».

پلتفرم نماوا با انتشار بیانیه‌ای از انتشار سریال «سووشون» عذرخواهی و تاکید کرد هدف آن، نمایش آثار زیان‌بار استعمار بوده و قصد جریحه‌دار کردن افکار عمومی یا تضعیف ارزش‌های اسلامی را نداشته است.

این پلتفرم اعلام کرده است با مساعدت‌های دادستانی و حمایت‌های ساترا، روند رسیدگی به پرونده این پلتفرم شتاب گرفته است و انسداد آن تا چند روز آینده، رفع خواهد شد.

حدود دو هفته پس از انسداد پلتفرم نماوا و توقیف سریال «سووشون»، نماوا بیانیه تازه‌ای خطاب به مخاطبان داده و برای حل مسائل پیش آمده با مساعدت دادستانی ابراز امیدواری کرده است؛ نماوا همچنین متعهد شده که با حساسیت بیشتر از انتشار محتوای مغایر با موازین قانونی و شرعی جلوگیری کند؛ بنابراین تا هنگام دریافت مجوز نهایی، پخش قسمت‌های جدید «سووشون» متوقف خواهد ماند.

مسدودی پلتفرم نماوا همچنین بحث‌هایی را درباره شیوه برخورد با سرویس‌های اینترنتی داخلی به‌وجود آورده است: برای اولین بار بود که چنین محدودیتی شامل یکی از پلتفرم‌های شبکه خانگی شد؛ نماوا پیش از مسدودی نیز مدت‌ها فعالیت اندکی داشت و از رقابت با دیگر بازیگران اصلی بازار وی‌اودی بازمانده بود تا به‌باور فعالان این حوزه یک پلتفرم نیمه‌تعطیل لقب بگیرد. در چنین شرایطی، مسدود شدن طولانی‌مدت، ممکن است تیر خلاصی بر این سرویس تلقی شود که روزگاری، یکی از قطب‌های صنعت نمایش خانگی بود و آثاری چون «خاتون»، «هیولا» و «جنگل آسفالت» را به‌تولید رسانده بود.

تصمیمی که در یک هفته اخیر برای پلتفرم نماوا گرفته شد برای نخستین بار است که در قبال یک وی‌اودی پُرکاربر رخ داده و پیش از این برای دیگر پلتفرم‌های انتشاردهنده سابقه نداشته است. بسیاری از برنامه‌های در حال پخش از پلتفرم‌های دیگر مانند «جوکر» یا سریال‌هایی مانند «تاسیان»، «دفتر یادداشت» و «غریب» دچار توقیف در مقطعی شده‌اند اما این توقیف تنها شامل محصول پخش شده، بود نه اینکه پلتفرم دچار مسدودیت شود: این اتفاق نشان داد زین پس برخورد‌های تندتری صورت خواهد گرفت: با مسدود شدن نماوا صاحبان پلتفرم‌ها پیش از گذشته، در پخش برنامه‌های خود احتیاط خواهند کرد و احتمالاً ممیزی‌های داخلی خود را هم افزایش می‌دهند که به سرنوشت نماوا دچار نشوند چراکه مسدود شدن یک پلتفرم در این مدت، خسارت و آسیب‌های بسیاری به پلتفرم و مشترکان آن وارد خواهد کرد؛ به‌طوری که شاید تا مدت‌ها نتوان این خسارات را جبران کرد.

نماوا در حالی طی کمتر از ۴ ساعت پس از پخش قسمت اول سریال «سووشون» مسدود سپس با اظهارنظر رسمی از سوی نهاد تنظیم‌گر مبنی بر احتمال مسدودی چند ماهه مواجه شد که در موارد به‌نسبت مشابه شاهد برخورد‌های متفاوتی در دنیای رسانه بوده‌ایم؛ همانند رویکردی که آمریکا اتخاذ شد. مسدودسازی کلی پلتفرم نماوا امکان دسترسی به این سرویس را حتی از کاربرانی که تمایلی به تماشای سریال «سووشون» ندارند، گرفته است. این پلتفرم در روزهای پایانی پیش از مسدودی، ژنالیتی‌شوهای «رینگو» و «آل کلاسیکو» به روایت تسلا، برنامه طنز «نیمه‌شب با امیرحسین قیاسی» و برنامه موسیقایی



۱۳۰ هنرمند روسی در ایران

نشست خبری وزرای فرهنگ ایران و روسیه به مناسبت هفته فرهنگی روسیه در ایران هم در تالار وحدت برگزار شد. در ابتدای این نشست خبری سیدعباس صالحی گفت: «کشور روسیه برای ما صرفاً یک کشور همسایه نیست بلکه ما همواره با هم روابط تاریخی داشته‌ایم؛ به ویژه در حوزه فرهنگ که این رابطه در تاریخ معاصر و نیز امروز ادامه داشته است. برخی از مفاخر ادبی و فرهنگی روسیه آن‌قدر برای مردم ما آشنا هستند که گویی یکی از شخصیت‌های فرهنگی و ادبی ایران هستند. شخصیت‌هایی مثل پوشکین، داستایفسکی، چخوف و دیگر هنرمندان روسیه که بسیاری از ایرانی‌ها با آنها زندگی کرده‌اند.»

در ادامه وزیر فرهنگ روسیه با تشکر از سیدعباس صالحی گفت: «بدون این پشتیبانی و نیز مهمان‌نوازی شما ما نمی‌توانستیم در برگزاری این رویداد موفق شویم. ما از تمام مناطق روسیه مجسمه‌ها و آثار زیادی آورده‌ایم تا شما با فرهنگ و صنایع دستی روسیه آشنا شوید. از غرب تا شرق و از جنوب و شمال، آثار فرهنگی روسیه در ایران به نمایش درمی‌آیند. ما با هیأت خیلی بزرگی به اینجا آمده‌ایم و ۱۳۰ نفر از هنرمندان ما

در این هفته در ایران حضور دارند. دو سال قبل هنرمندان ایرانی زیادی به روسیه آمدند که ما از هنرهای فوق‌العاده کشور شما در روسیه لذت بردیم. آنجا یک کنسرت فوق‌العاده هم برگزار شد و همه ما برای هنرمندان ایرانی دست زدیم. حالا تقریباً بعد از یک سال‌و نیم خدمت شما رسیدیم و امیدواریم که به شما هم خوش بگذرد.»

در هفته فرهنگی روسیه، بیش از ۱۱۰ هنرمند برجسته روسیه در رشته‌های مختلف موسیقی، فیلم، هنرهای تجسمی و... به همراه هیأت رسمی و کمیته فرهنگی که بالغ بر ۱۳۰ نفر هستند، حضور پیدا می‌کنند. اجرای کنسرت سمفونیک چایکوفسکی روسیه در تهران و اصفهان، اجرای برنامه‌های مرتبط با گروه بزرگ هنری لژگینکا، برگزاری هفته فیلم روسیه در تهران (باغ کتاب) و اصفهان (سالن سیتی‌سنتر)، برگزاری نشست تخصصی سینمای روسیه و برگزاری همزمان نمایشگاه فرهنگی، هنرهای تجسمی و صنایع دستی در فرهنگسرای نیاوران از جمله برنامه‌های هفته فرهنگی روسیه در ایران است. این رویداد فرهنگی در چارچوب معاهده مشارکت جامع راهبردی میان دو کشور است که در ژانویه سال ۲۰۲۵ میلادی به امضا رسیده و اجرا می‌شود.

محکوم و به جزیره «شیطان» تبعید شد؛ با این وجود درفیوس تا آخرین لحظه صدور حکم خود، مصرانه اعلام کرد که بی‌گناه است و باید در صدور حکمش تجدیدنظر شود؛ با این اوصاف، از آنجایی که مدرک محکمه‌پسندی از سوی او وجود نداشت، درفیوس درنهایت موفق نشد، بی‌گناهی‌اش را به‌اثبات برساند؛ او به‌اتهام نشر اطلاعات امنیتی و محرمانه ارتش فرانسه به سفارت آلمان، مجرم شناخته شد.

پرونده درفیوس مدت‌ها برای این کارگردان برنده جایزه اسکار، جذاب بود و او چندین بار در مسیر کاری‌اش، سعی کرده بود که آن را تعریف کند. احتمالاً بخشی از جذابیت پرونده درفیوس برای پولانسکی به شباهت این داستان به زندگی خود این کارگردان بازمی‌گردد؛ او بارها تاکید کرده که اتهاماتی که به او وارد شده است را قبول ندارد. درباره زندگی‌اش و اتفاقاتی که برای او رخ داده هم کتابی نوشته و روانه چاپ کرده است اما همچنان بسیاری او را متهم و حتی مجرم می‌دانند. نیکولا بریگو- رابرت، موسس پلی‌تایم درباره این فیلم گفته است: «فیلم‌هایی با این گستره و عظمت در بازار امروزی بسیار کم پیدا می‌شوند». فیلم‌بردار این فیلم، «پاول ادلمن» همکار قدیمی پولانسکی است که آن را با نگاهی شاعرانه فیلم‌برداری کرده و با استفاده از نورپردازی طبیعی و ترکیب‌بندی زیبا، با کارگردان همراهی کرده است. «افسر و جاسوس» داستانی هشداردهنده درباره قانون است؛ این فیلم دنیای اقتدارگرای قرن نوزدهمی را به‌تصویر می‌کشد که به‌گونه نگران‌کننده‌ای، شبیه دنیای ماست و مقابل خطر تفکر گروهی و عدالت اویاش می‌ایستد.

پولانسکی به‌دلیل پرونده‌ای از سال ۱۹۷۷ برای رابطه جنسی غیرقانونی با یک دختر ۱۳ ساله و فرار از اجرای حکم در جریان دارد، دهه‌هاست که با جنجال زندگی می‌کند و اگرچه به ساخت فیلم‌های تحسین شده‌ای همچون «پیانست» ادامه داده اما فرار پولانسکی از عدالت منجر به تحریم‌های مداوم علیه او شده است؛ توزیع‌کنندگان آمریکایی بارها، نمایش فیلم‌های او را رد کرده‌اند.

او بخشی از مجازاتش را سپری کرده است اما از سال ۱۹۷۷ که تصور کرد، قاضی پرونده می‌خواهد به عمد، در مسیر زندگی و کاری او سنگ‌اندازی کند برای همیشه از آمریکا فرار کرد؛ این پرونده تا امروز باز است و تنها در صورتی رسیدگی به آن پایان می‌یابد که پولانسکی حاضر شود به آمریکا برود، دادگاهی برای او تشکیل شود و این پرونده در نهایت، تعیین تکلیف شود.

ایسن فیلم یک تریلر جاسوسی تاریخی بر پایه رمان «رابرت هریس» است و «ژان دوژاردن» بازیگر برنده جایزه اسکار فیلم «آرتمست» و «متیو آملریک» از فیلم «در دروازه ابدیت» در آن نقش‌آفرینی می‌کنند. در این فیلم که پولانسکی و هریس دوباره با یکدیگر همکاری کرده‌اند، داستان حقیقی «ژرژ پیکارت» افسر ضدجاسوسی‌ای به‌تصویر کشیده شده است که از دستورهای مافوق‌های خود سرپیچی می‌کند و راهی ماموریتی سخت می‌شود تا نام کاپیتان «آلفرد دریفوس» را از اتهام‌های وارد شده، پاک کند. این کاپیتان، یک افسر بااستعداد فرانسوی بوده که اواخر دهه ۱۸۹۰ به‌صورت غیرمنصفانه، متهم به جاسوسی برای آلمان و زندان در جزیره شیطان شده بود. درواقع فیلم «افسر و جاسوس» درباره فردی به اسم «آلفرد دریفوس» است؛ افسر توپخانه ارتش فرانسه که در سال ۱۸۹۴ میلادی به خیانت



تحلیل اقتصادی

احتمالات بازار سیاه

چشم‌انداز بازار نفت چگونه است؟

مهتا معرفت

مترجم

تصمیم تاریخی اوپک‌پلاس برای پایان دادن به حمایت از قیمت نفت و افزایش عرضه، بزرگ‌ترین تحول بازار در ماه‌های اخیر بوده است. این تصمیم در شرایطی اتخاذ شده که جنگ تجاری دونالد ترامپ ممکن است، تقاضای جهانی را کاهش دهد. با این حال تاکنون نشانه‌ای از سقوط فوری قیمت‌ها مشاهده نشده و بازار نفت با وجود کاهش‌هایی در سال جاری نسبتاً پایدار باقی مانده است.

بزرگ‌ترین خبر بازار در ماه‌های اخیر، تصمیم تاریخی اوپک‌پلاس برای پایان دادن به حمایت از قیمت نفت و افزایش عرضه بوده است. این تصمیم در حالی گرفته شده که جنگ تجاری دونالد ترامپ می‌تواند، تقاضای جهانی را کاهش دهد. با این حال تاکنون نشانه‌ای از سقوط فوری قیمت‌ها مشاهده نشده و بازار نفت با وجود کاهش‌هایی در سال جاری تقریباً پایدار مانده است.

داده‌های شرکت بریتیش پترولیوم نشان می‌دهد سه‌ماهه دوم ۲۰۲۵ سودآورترین دوره تولید سوخت در بیش از یک سال گذشته بوده است. پالایشگاه‌ها در ایالات متحده و دریای شمال به‌شدت مشغول خرید نفت‌خام و تبدیل آن به محصولاتی مانند بنزین و سوخت جت هستند زیرا تقاضای تابستانی در نیمکره شمالی افزایش یافته است. به گزارش اکو ایران، فردریک لاسر، رئیس تحقیقات بازار جهانی در گروه گائور معتقد است، فروش نفت در آستانه فصل افزایش تقاضا، ایده خوبی نیست اما اجماع نظرات برای سه‌ماهه چهارم ۲۰۲۵ و سال آینده کاملاً نزولی است.

انتظار می‌رود، بازار جهانی نفت تا پایان سال با مزاد عرضه مواجه شود، چشم‌اندازی که حتی پیش از تغییر سیاست اوپک‌پلاس نیز وجود داشت. افزایش تولید به رهبری عربستان سعودی انتظارات برای ایجاد مزاد عرضه را تقویت کرده است. سؤال کلیدی این است که این مزاد دقیقاً چه زمانی رخ خواهد داد؟ تصمیم تاریخی اوپک‌پلاس برای پایان دادن به حمایت از قیمت نفت و افزایش عرضه، بزرگ‌ترین خبر بازار در ماه‌های اخیر بوده است. این تصمیم در حالی گرفته شده که جنگ تجاری دونالد ترامپ ممکن است، تقاضای جهانی را کاهش دهد. با این حال تاکنون نشانه‌ای از سقوط فوری قیمت‌ها مشاهده نشده و بازار نفت، با وجود کاهش‌هایی در سال جاری نسبتاً پایدار مانده است. انتظار می‌رود بازار جهانی نفت تا پایان سال با مزاد عرضه مواجه شود، چشم‌اندازی که پیش از تغییر سیاست اوپک پلاس نیز وجود داشت. افزایش تولید غیرمنتظره این گروه، احتمال وقوع این مزاد را افزایش داده است. سرنوشت بازار نفت برای کشورهای تولیدکننده و بانک‌های مرکزی در کشورهای مصرف‌کننده به یک اندازه اهمیت دارد. کاهش قیمت نفت از یک سو جریان دلارهای نفتی را کاهش می‌دهد و از سوی دیگر هزینه‌های سوخت را در بحبوحه افزایش انتظارات تورمی تعدیل می‌کند.

عربستان سعودی معتقد است، افزایش تقاضای نفت به این کشور اجازه می‌دهد، تولید خود را افزایش دهد و سهمی از بازار که به تولیدکنندگان شیل آمریکا و دیگر تولیدکنندگان غیروپک واگذار کرده بود را بازیس گیرد. نفت‌خام برنت روز سه‌شنبه به حدود ۶۷/۴۰ دلار در هر بشکه رسید و از زمان تغییر سیاست اوپک‌پلاس در محدوده ۶۰ تا ۶۷/۵ دلار معامله شده در حالی که میانگین آن در سه ماهه گذشته ۷۵ دلار بوده است.

اوپک در ماه‌های گذشته پیش‌بینی کرده بود که رشد تقاضا نمی‌تواند، موج افزایش عرضه از تولیدکنندگان غیروپک پلاس را در سال جاری جبران کند. با این حال تقاضای قوی در زمستان و آستانه تابستان، همراه با خرید برای ذخیره‌سازی، تأثیر افزایش عرضه را به تعویق انداخته است. قیمت‌های بالای نفت در سال‌های اخیر از موج تولید جدید در کشورهای مانند گویان حمایت کرده و عرضه نفت از کانادا، آرژانتین و چین به رکوردهای بالایی رسیده است. در ایالات متحده با وجود کاهش تعداد دکل‌های نفتی به پایین‌ترین سطح در ۴ سال گذشته، تولید نفت در ماه مارس به رکورد جدیدی رسید و تولید نفت‌خام و گاز طبیعی به طور قابل‌توجهی بالاتر از برآوردهای قبلی بود. این امر نگرانی‌های عربستان سعودی درباره از دست دادن سهم بازار را تشدید کرده است زیرا کاهش تولید ایالات متحده از سطوح تاریخی بالا بعید به نظر می‌رسد.

منبع: بلومبرگ

عدالت، مقدمه صلح و ثروت

احمد میدری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در ژنو از نبود عدالت اجتماعی، سکوت قدرت‌ها و بحران غزه سخن گفت



گروه اقتصاد: در ژنو، صدای اعتراض از بلندگوهای سالن کنفرانس یک‌صدوسیزدهمین نشست سازمان بین‌المللی کار طنین‌انداز شد. درحالی‌که وزرای کار، نمایندگان اتحادیه‌های کارگری و کارفرمایان در این نشست گرد آمده بودند تا درباره حقوق کارگران و توسعه اقتصادی بحث کنند، احمد میدری، وزیر کار ایران، از تریبون رسمی سازمان برای مطرح کردن یک دغدغه اساسی استفاده کرد: بی‌عدالتی جهانی و جنایات علیه مردم غزه.

احمد میدری در نشست کنفرانس بین‌المللی کار در ژنو، از تریبون رسمی برای مطرح کردن بحران انسانی غزه استفاده کرد. او با اشاره به اصول عدالت اجتماعی، تأکید کرد که سکوت قدرت‌های جهانی مقابل جنایات غزه، همان سیاستی است که پیشتر، جهان را به پرتگاه جنگ‌های بزرگ کشانده است. میدری با استناد به گزارش سازمان بین‌المللی کار، به آمار تکان‌دهنده‌ای اشاره کرد که نشان‌دهنده ابعاد فاجعه انسانی در غزه است. او همچنین از دبیرکل سازمان تقدیر کرد که با وجود محدودیت‌های بین‌المللی، برخی از این فجایع را در گزارش رسمی مستند کرده است.

بحران انسانی در غزه، به مرحله‌ای بی‌سابقه رسیده است. بر اساس گزارش‌های رسمی، بیش از ۵۵ هزار فلسطینی کشته، ۱۲۷ هزار نفر زخمی و ۱۴ هزار نفر، مفقود شده‌اند. بیمارستان‌های غزه به‌دلیل محاصره و کمبود تجهیزات پزشکی، در آستانه فروپاشی قرار دارند و بسیاری از بیماران به‌دلیل نبود دارو و امکانات درمانی، جان خود را از دست می‌دهند. سازمان ملل متحد هشدار داده است که ۱۰۰ درصد جمعیت غزه، در معرض خطر قطعی قرار دارند و محاصره کمک‌های بشردوستانه باعث شده است که بسیاری از کودکان، وارد مرحله‌ای مرگ‌بار از سوء‌تغذیه شوند.

در چنین شرایطی، سخنان احمد میدری در ژنو نتها یک اعتراض سیاسی، بلکه فراخوانی برای اقدام جهانی علیه بی‌عدالتی و جنایات انسانی در غزه بود. او هشدار داد که سکوت مقابل این فجایع، شکست بشریت است و از جامعه جهانی خواست که در برابر ظلم ایستادگی کنند.

حضور ایران در این نشست، همواره با تمرکز بر مباحث اقتصادی همراه بوده است اما این بار، میدری به فراتر از این موضوعات پرداخت؛ با لحنی صریح از فجایعی سخن گفت که در غزه، جریان دارند و سکوت جامعه جهانی را به‌چالش کشید. سخنان او ریشه در تاریخی داشت که به استقرار سازمان بین‌المللی کار پس از جنگ‌های ویرانگر قرن بیستم بازمی‌گردد.

در بخش ابتدایی سخنرانی، میدری با مرور تاریخ سازمان بین‌المللی کار، بر اهمیت اصول تاسیس این نهاد تأکید کرد؛ او گفت: «موسسان این سازمان پس از جنگ جهانی اول و دوم به این نتیجه رسیدند که صلح پایدار تنها بر پایه عدالت اجتماعی شکل می‌گیرد. این درس تاریخی در بیانیه فیلادلفیا در سال ۱۹۴۹ به‌روشنی ثبت شده است.»

بازار سهام

دو روی ریزش

آیا سهامداران با بازار سهام قهر کرده‌اند؟



نسرین خدادادی

گروه اقتصاد

تداوم فضای نگران‌کننده در بورس تهران نشان‌دهنده یک نکته کلیدی است: سرمایه‌گذاران چشم انتظار مشخص شدن وضعیت ریسک‌های اثرگذار بر روند بازار سرمایه هستند. بازار سرمایه سومین هفته خردامه ۱۴۰۴ را هم با ریزش به اتمام رساند و در نهایت شاخص کل بورس با افت ۳ هزار واحدی قرمزپوش ماند اما شاخص‌های کل و هم‌وزن فرابورس، مثبت و سبزپوش بودند. این روزها ریسک‌های سیاسی و اقتصادی دست به دست هم دادند تا بورس را به حاشیه برانند. بازار سهام در سه هفته، سه کانال حیاتی را از دست داده و در هر پنج روز معاملاتی هفته جاری با پیشروی خروج پول سهامداران حقیقی مواجه بوده است. دیروز نمادهای آریان، بفرج و دژاگرس شاهد بیشترین

او با بازخوانی نقش قدرت‌های جهانی در قرن نوزدهم و بیستم، به چرخه استعماری اشاره کرد که منجر به نابودی تمدن‌های بزرگی همچون چین و هند شد. او با لحنی انتقادی افزود: «قدرت‌های استعماری برای دو قرن، جهان را میان خود تقسیم کردند، متحد شدند تا چپاول کنند یا سکوت کردند و شاهد زوال تمدن‌ها بودند اما این اتحاد تنگین، درنهایت، دامن خودشان را گرفت و قرن بیستم را به یکی از خونین‌ترین دوره‌های تاریخ بشریت تبدیل کرد». میدری در بخش دوم سخنان خود، به جنایات علیه مردم غزه پرداخت. او با اشاره به گزارش دبیرکل سازمان بین‌المللی کار، آمار تکان‌دهنده‌ای ارائه داد: «هزاران کارگر، از جمله ۲۰۰ روزنامه‌نگار و بیش از ۱۰۰۰ نفر از کادر درمان، در محل کار خود کشته شدند. بیش از ۸۰ درصد از مراکز تجاری نابود شده‌اند و بخش کشاورزی به‌طور کامل از بین رفته است.»

او تأکید کرد که این گزارش، نشان‌دهنده پای‌بندی سازمان بین‌المللی کار به تعهدش نسبت به عدالت اجتماعی است. او از دبیرکل این سازمان تقدیر کرد که با وجود محدودیت‌های بین‌المللی، برخی از این فجایع را در گزارش «وضعیت کارگران مناطق اشغالی عربی» مستند کرده است. سپس میدری به سکوت قدرت‌های جهانی پرداخت و با لحن هشداردهنده‌ای گفت: «امروز نیز همان سناریو در حال تکرار است؛ قدرت‌های جهانی سکوت کرده‌اند و اجازه داده‌اند تنگین‌ترین فجایع علیه کودکان و مردم غزه اتفاق بیفتند. این سکوت، همان سیاستی است که پیش‌تر، جهان را به پرتگاه جنگ‌های عظیم کشانده بود».

سخنرانی میدری رنگ‌وبوی هشدار داشت؛ او مسئولیت رهبران جهانی را یادآور شد و از جامعه بین‌المللی خواست

که مقابلر ظلم سکوت نکند. با نقل قولی از ادموند برک، فیلسوف قرن هجدهم، گفت: «تنها چیزی که برای پیروزی ضر لازم است، بی‌تفاوتی انسان‌های خوب است». او همچنین با استناد به آیات قرآن کریم، بر مسئولیت جهانی در قبال عدالت تأکید کرد: «از فتنه‌ای پرهیزید که تنها دامن ظالمان را نمی‌گیرد، بلکه همه را در برمی‌گیرد».

در ادامه، او شعری از الی ویزل، نویسنده و فعال حقوق بشر را قرائت کرد که مفهوم بی‌تفاوتی را به‌عنوان دشمن اصلی انسانیت شرح می‌دهد: «دشمن عشق، تنفر نیست؛ بی‌تفاوتی است. دشمن زیبایی، زشتی نیست؛ بی‌تفاوتی است. دشمن ایمان، کفر نیست؛ بی‌تفاوتی است و دشمن زندگی، مرگ نیست؛ بلکه بی‌تفاوتی میان مرگ و زندگی است.»

در پایان سخنرانی، میدری بار دیگر، به اهمیت عدالت اجتماعی اشاره کرد و گفت: «سازمان بین‌المللی کار تنها یک کنفرانس اقتصادی نیست، بلکه یک ائتلاف جهانی برای عدالت است. اگر ما، نمایندگان کارگران، کارفرمایان و وزرای کار، به مسئولیت‌های سنگین خود عمل کنیم، صلح در جهان برقرار و پایدار خواهد شد».

او سخنان خود را با نقل قولی از سعدی، شاعر بزرگ قرن هفتم هجری، به پایان برد: «بنیادِ ظلم در جهان اول اندکی بوده است هرکه آمد بر او مزیذی کرده تا بدین غایت رسیده».

در ژنو، از تریبون کنفرانس بین‌المللی کار، احمد میدری ندایی بلند سرداد: سکوت نکنید. عدالت اجتماعی، مقدمه صلح است و صلح، مقدمه ثروت. به‌نظر می‌رسد، پیام او فراتر از مرزها رفته و میان مخاطبان جهانی، طنین‌انداز شده است.

به این ترتیب، این نماگر برای ششمین روز پیاپی در مسیر نزولی حرکت کرد تا بازدهی هفتگی آن به منفی ۳/۷۸ درصد برسد. این کاهش در شرایطی رخ داد که بسیاری از فعالان بازار با امید به بازگشت شاخص به کانال ۳ میلیون واحدی منتظر تثبیت در سطوح بالاتر بودند.

شاخص هم‌وزن نیز که نماینده بهتری برای رصد عملکرد کلیت بازار به شمار می‌رود با افت ۰/۰۶ درصدی مواجه شد تا زیان هفتگی آن به ۳/۴۱ درصد برسد. این ششمین روز منفی پیاپی برای شاخص هم‌وزن بود؛ موضوعی که حکایت از فشار فرسایشی عرضه در نمادهای کوچک و متوسط بازار دارد.

ارزش معاملات خرد بازار به سطح ۵ هزار و ۹۳۷ میلیارد تومان رسید؛ رقمی که پایین‌ترین سطح از ششم فروردین سال جاری محسوب می‌شود. این درحالی است که برای نهمین روز متوالی، ارزش معاملات در محدوده‌ای کمتر از ۱۰ همت ثبت شده و میانگین هفتگی ارزش معاملات نیز به حدود ۷ هزار و ۲۸۵ میلیارد تومان کاهش یافته است.

دکترهای قلبی

در سایه پزشک‌نماهای مجازی جان مردم به خطر افتاده است

جراحی‌های سطحی مشاهده شده است؛ مسئولان پزشکی گزارش داده‌اند سالانه چندین نفر به‌دلیل «عوارض جبران‌ناپذیر اعمال جراحی به‌ویژه در حوزه زیبایی» جان خود را از دست می‌دهند.

تأثیرات مخرب اجتماعی

گسترش این معضل، ابعاد اجتماعی و روانی جدی‌ای دارد. سارا پورشهیدی (متخصص بیماری‌های دهان) معتقد است فقدان آگاهی عمومی درباره پیچیدگی‌های پزشکی، فضای خالی به‌سودجویان می‌دهد. او می‌گوید مردم «هر چیزی را می‌توانند در گوگل سرچ کنند و با دنیایی از مقاله و شبه‌مقاله روبرو شوند»؛ سوء استفاده‌گران با دید درآمدزایی، صفحات پزشکی و درمانی درخوری را بالا می‌آورند و از حساسیت جامعه نسبت به موضوعاتی مانند ویروس «HPV» بهره می‌برند. سازوکار آنها ساده است: با ایجاد وحشت، ضعف اطلاعات عمومی و استفاده از «مدارک جعلی»، دنبال‌کنندگان میلیونی جذب می‌کنند. دکتر هومن ابراهیمی می‌گوید: «خیلی وقت‌ها افراد خودشان را پزشک معرفی می‌کنند؛ در حالی که در اصل، سر رشته‌ای از پزشکی ندارند». این افراد با جعل عکس و مدرک و ترندهای بازاریابی مهارت‌یافته، اعتماد مخاطب را جلب کرده و با اطلاعات اشتباه، درمان‌های نامناسب تجویز می‌کنند؛ همه برای کسب سود. نتیجه نهایی، «عدم دستیابی به درمان مناسب از یک‌سو و سودآوری بیشتر برای آنها از سوی دیگر» است؛ از سوی دیگر، مشکلات فرهنگی و روانی نیز در افزایش این پدیده دخیل هستند؛ افرادی که به‌دلیل شرم یا انتقاد اجتماعی از ویزیت حضوری پزشک پرهیز می‌کنند، در فضای مجازی راهی آسان برای طرح مشکلات خود می‌یابند اما همان‌طور که دکتر ابراهیمی تأکید کرده است، امکان بررسی چهره‌به‌چهره و معاینه پنهان در این فضا وجود ندارد و ریسک اعتماد به راهنمایی آنلاین افزایش می‌یابد. علاوه بر این، تبلیغات

گروه اجتماعی: به‌دنبال انتشار فهرست ۵۲ نفر از فعالان غیر مجاز عرصه درمان در فضای مجازی، سازمان نظام پزشکی هشدار داده است که این افراد بدون هیچ‌گونه «پروانه رسمی» در حال نسخه‌نویسی، تجویز دارو و حتی انجام اعمال درمانی تهاجمی هستند. دکتر سیدمحمد میرخانی، معاون اجتماعی نظام پزشکی در اطلاعیه‌ای رسمی، تأکید کرده است که نام‌بردگان فاقد صلاحیت هستند و اقدامات آنها مصداق «مداخله غیر مجاز در امور پزشکی» و مشمول پیگرد قانونی خواهد بود. گزارش‌ها نشان می‌دهند، با گسترش صفحات مجازی سلامت و شبکه‌های اینستاگرامی، کلاه‌برداران به‌آسانی اعتماد عمومی را جلب می‌کنند. بسیاری از این صفحات با هدف فروش داروها و مکمل‌های تقلبی یا ارائه خدمات، خارج از نظارت قانونی فعالیت می‌کنند. کارشناسان بیم آن دارند که فعالیت گسترده «پزشک‌نماها» به‌طور مستقیم، جان بیماران را تهدید کند؛ از تجویز داروهای نامناسب و خطرناک گرفته تا اعمال جراحی غیر تخصصی. بر همین اساس، پزشکان متخصص هشدار می‌دهند از مشاوره آنلاین با چنین افرادی جدا خودداری شود. شواهد نشان می‌دهند، شایع‌ترین خطر ها، شامل نسخه‌نویسی اشتباه، تجویز داروهای غیربهداشتی یا خطرناک و انجام درمان‌های تهاجمی غیر مجاز است؛ به‌عنوان نمونه، در اطلاعیه نظام پزشکی آمده که این افراد «دست به نسخه‌نویسی، تجویز دارو و اقدامات درمانی، حتی درمان‌های تهاجمی زده‌اند». علاوه بر این، فقدان معاینه فیزیکی واقعی سبب می‌شود تشخیص‌های ارائه‌شده بیشتر نادرست باشند. هومن ابراهیمی (فلوشیپ فوق‌تخصصی بیماری‌های دهان) گفته که: «حاصل بسیاری از درمان‌های آنلاین تشخیص‌های نادرست است که دلیل آن عدم معاینه فیزیکی است»؛ او افزوده که نبود ارتباط چهره‌به‌چهره و ابزار تشخیصی مناسب، کیفیت درمان را به‌شدت کاهش می‌دهد. عمده این ناهنجاری‌ها در حوزه زیبایی و

گزارش اجتماعی

تالارهای خالی!

چرا دیگر کسی مراسم عروسی نمی‌گیرد؟

گروه اجتماعی: بیژن عبداللهی‌مقدم، رئیس اتحادیه تالارهای پذیرایی می‌گوید ۸۰ درصد مراسم‌هایی که در تالارها برگزار می‌شوند، تبدیل به مراسم ختم شده‌اند و تنها ۲۰ درصد مراسم‌ها، عروسی هستند. به‌گفته او، بسیاری از سالن‌های اجاره‌ای به دلیل «اجاره سنگین» تعطیل شده‌اند و تنها حدود ۱۵ تا ۲۰ درصد تالارهای تهران فعال مانده‌اند. این آمار نشان می‌دهند، صنعت تشریفات عروسی هم‌زمان با ترکیدن حباب تورم و مشکلات اقتصادی در رکود عمیق قرار گرفته است. آمارهای رسمی تازه نیز تصویر نگران‌کننده‌ای از وضعیت ازدواج و طلاق در ایران ترسیم می‌کنند. داده‌های سازمان ثبت احوال نشان می‌دهد که در ۷ ماهه نخست سال ۱۴۰۳، تنها ۲۷۴ هزار و ۵۹۶ مورد ازدواج ثبت شده، درحالی که ۱۰۸ هزار و ۶۷۳ مورد طلاق در همین بازه زمانی ثبت شده است؛ این یعنی نسبت طلاق به ازدواج در کشور، به حدود ۳۹ درصد رسیده است؛ به‌پیان ساده‌تر، از هر ۱۰۰ ازدواج رسمی ثبت‌شده، نزدیک به ۴۰ مورد درنهایت، به طلاق منتهی می‌شوند. این نسبت در تهران، حتی فراتر رفته و از مرز ۵۲ درصد عبور کرده است. این در حالی است که در دهه گذشته، تعداد ازدواج‌های رسمی در کشور حدود ۴۶ درصد کاهش یافته است. در سال ۱۳۸۹، بیش از ۸۹۱ هزار ازدواج در کشور ثبت شد اما این رقم در پایان سال ۱۴۰۲، به حدود ۴۸۱ هزار مورد کاهش یافت. هرچند در سال ۱۴۰۳، اندکی رشد ثبت شد (حدود ۴۷۱ هزار ازدواج) اما این رشد نمی‌تواند روند نزولی مداوم دهه گذشته را معکوس کند.

هم‌زمان نرخ خام طلاق نیز در سال ۱۴۰۳، به ۲/۳ در هزار نفر جمعیت رسید که از نظر کارشناسان همچنان یکی از بالاترین نرخ‌ها میان کشورهای منطقه محسوب می‌شود. با وجود کاهش اندک این نرخ نسبت به سال قبل، روند کلی همچنان افزایشی است و به‌ویژه میان زوج‌های جوان و ساکنان کلان‌شهرها شدت یافته است. این روند نزولی در سال‌های اخیر، به عواملی همچون تغییرات اقتصادی، بیکاری جوانان و تغییر نگرش‌های فرهنگی و اجتماعی نسبت به ازدواج مرتبط دانسته شده است.

کارشناسان اقتصادی و اجتماعی مهم‌ترین دلایل کم شدن میل به ازدواج را شرایط اقتصادی دشوار و ساختار اجتماعی جدید می‌دانند. مجید ابهری، جامعه‌شناس و آسیب‌شناس اجتماعی می‌گوید: «دشواری‌های ازدواج از نظر مسکن، اشتغال، تورم و گرانی به‌عنوان

اغراق‌آمیز در فضای مجازی با «ایجاد دلهره و نگرانی در مخاطبان» و بزرگ‌نمایی بیماری‌ها، حلقه اطلاعات نادرست را تداوم می‌بخشند؛ به‌عنوان مثال، رسانه‌ها نمونه‌ای از تبلیغات اینترنتی را نقل می‌کنند که مدعی هستند با پکیج درمان زگیل «HPV» می‌توان «به‌سادگی و با هزینه‌ای مقرون‌به‌صرفه» این مشکل را حل کرد؛ این نوع وعده‌ها، دقیقاً بر شک و ترس مبتلایان و تهی‌دستان اطلاعات عمومی سوار می‌شوند. بخش بزرگی از فعالیت پزشک‌نماها به فروش داروهای فاقد مجوز و پکیج‌های درمانی شبه‌علمی اختصاص دارد. این داروها اغلب به‌عنوان «طبیعی» یا «بدون عوارض» تبلیغ می‌شوند و مصرف‌کنندگان را در معرض آسیب‌های جدی جسمی قرار می‌دهند. مسئولان نظام پزشکی در واکنش به این بحران، از راه‌اندازی سازوکارهای نظارتی جدید خبر داده‌اند؛ برای نمونه، دکتر بابک شکارچی (معاون فنی و نظارت) اعلام کرده در پی گسترش «مداخلات غیر مجاز در فضای مجازی»، یکی از دادرهای نظام

حادثه

انفجار در اسکله بوشهر

انفجار بندر دیر
۳ کشته و ۵ مصدوم به‌جا گذاشت

وقوع حادثه‌ای مرگ‌بار در اسکله شرکت «متانول کاوه» بندر دیر در استان بوشهر و انفجار ناشی از عملیات جوش کاری روی یک کشتی باری، منجر به آتش‌سوزی گسترده و تلفات جانی شد. این حادثه که حوالی ساعت ۱۱ صبح چهارشنبه رخ داد، با واکنش سریع تیم‌های امدادی، آتش‌نشانی و نیروهای بندر و دریانوردی استان بوشهر همراه‌ش اما شدت حادثه، به‌گونه‌ای بود که در همان دقایق نخست، سه نفر جان خود را از دست دادند و دست‌کم، پنج نفر دیگر، دچار مصدومیت شدند. به‌گفته کوروش دهقان، مدیرکل مدیریت بحران استانداری بوشهر، آتش‌سوزی با مدت‌زمانی حدود دو ساعت، با تلاش نیروهای آتش‌نشانی شهر دیر، کنگان و شناورهای آتش‌خوار مهار شد. او با تأکید بر کنترل کامل حریق، شایعات منتشرشده درباره محوس شدن تعدادی از افراد در کشتی را تکذیب کرد و آن را فاقد صحت دانست. در سوی دیگر، احسان ایزدپناه، مدیرعامل جمعیت هلال‌احمر استان بوشهر، ضمن تأیید مرگ سه نفر، از حضور مستمر تیم‌های امدادی در محل حادثه خبر داد و گفت: عملیات خنک‌سازی و ایمن‌سازی محیط همچنان ادامه دارد. او افزود: دو تن از مصدومان جهت مداوا به بیمارستان امام‌هادی بندر دیر منتقل شده‌اند؛ احتمال افزایش شمار مصدومان یا جان‌باختگان به‌دلیل شدت انفجار نیز وجود دارد. مجتبی خالدي، سخنگوی اورژانس کشور نیز اعلام کرد که به‌محض دریافت گزارش حادثه، تیم‌های امدادی شامل آمبولانس و خودروهای امداد سنگین به محل اعزام شده‌اند. بر اساس اطلاعات اولیه، پنج نفر آسیب دیده‌اند که وضعیت جسمی برخی از آنها، وخیم گزارش شده است. فرماندار دیر، سیدعلیرضا سجادی، با اشاره به علت حادثه‌گفت: انفجار هنگام عملیات جوش کاری روی کشتی در حال تعمیر رخ داد و سبب شعله‌ور شدن مخازن حاوی متانول شد. این انفجار به‌سرعت گسترش یافت و موجب خسارات گسترده به کشتی و تأسیسات اطراف شد. به‌دنبال این حادثه، محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور، در تماس تلفنی با استاندار بوشهر، خواستار تسریع عملیات امدادرسانی، بررسی فوری ابعاد حادثه و رسیدگی کامل به وضعیت مجروحان شد. با وجود مهار کامل آتش‌سوزی، ابعاد دقیق حادثه، هنوز در دست بررسی است و کارشناسان ایمنی و فنی، در حال ارزیابی علت دقیق انفجار و بررسی عملکرد ایمنی هستند.

به دلایل روانی نقش دارد؛ چراکه تجربه طلاق یا جدایی والدین و گزارش افزایش آمار طلاق (از هر ۱۰۰ ازدواج حدود ۴۲ طلاق در ۱۴۰۲) جوانان را نسبت به الزام به پیوند رسمی دودل کرده است.

کاهش باروری و پیامدهای جمعیتی

نمودار بالا نشان می‌دهد، روند تعداد موالید در ایران در چند دهه گذشته نزولی بوده است. بر اساس داده‌های ثبت احوال، تعداد ولادت‌ها در سال ۱۴۰۳، به حدود ۹۸۰ هزار نفر رسیده است که کمترین میزان از دهه ۱۳۵۰ به بعد است. هم‌زمان، معاون وزیر بهداشت اعلام کرده، نرخ باروری کل (میانگین فرزندآوری هر زن) اکنون تنها ۱/۴۸ است که به‌وضوح کمتر از نرخ جایگزینی ۲/۱ است. کارشناسان هشدار داده‌اند این وضعیت، نشان‌دهنده پدیده سالمندی زودهنگام و کاهش جمعیت در بلندمدت است؛ به‌طوری که در دو دهه آینده، جمعیت کشور به اوج خود می‌رسد؛ سپس روند نزولی خواهد داشت. این کاهش هم‌زمان ازدواج و باروری، پیامدهای عمیقی برای جامعه دارد: تولید نسل پایین می‌آید، نسبت جمعیت جوان به سالمندان کاهش می‌یابد و فشار بر صندوق‌های بازنشستگی و نیاز به خدمات پرستاری افزایش می‌یابد. تصویر بالا، نمادی از آینده نامطمئن خانواده‌هاست. بررسی‌ها نشان می‌دهند، اجرای قانون «حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» و سایر طرح‌های تشویقی در سال‌های اخیر، نتوانسته‌اند روند کاهش ازدواج و زادآوری را متوقف کنند؛ این امر، به این معناست که حل مساله نیازمند نگاهی عمیق‌تر و متوازن به ابعاد اقتصادی، فرهنگی و نهادی است تا بتوان از سقوط پیوندهای خانوادگی جلوگیری کرد. کاهش مراسم عروسی در ایران نه یک پدیده فقط اقتصادی است و نه فقط درباره تالارهای پذیرایی معنا می‌یابد؛ بلکه پیامی از وضعیت عمومی جامعه ایرانی امروز است. تشدید دشواری‌های معیشت، تغییر ارزش‌ها و به وجود آمدن سبک‌های زندگی جدید، جوانان را از ازدواج و تشکیل خانواده دور کرده است. تا زمانی که مسکن ارزان نشود، اشتغال جوانان تثبیت نشود و حمایت‌هایفرهنگی و نهادی از ازدواج برای نسل جدید فراهم نشود، نمی‌توان انتظار داشت مراسم عروسی دوباره رونق بگیرد و از پس‌لرزه‌های اجتماعی آن کاسته شود.

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: امیر اقلتاعی • سردبیر: اکبر منتجبی
زیر نظر شورای سیاست‌گذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطریانفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌زاده، امیر اقلتاعی

مدیرهنری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آری‌نفر • حروف‌چین: فرزانه هاشمیان • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۱۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

کارنامه: خاطرات هاشمی ۱۳۸۰



افراط در اختلاف ۲۶۸

ادامه سه‌شنبه ۱۶ بهمن

دیدار با جلال طالبانی

روسیه از تداوم و ارتقای حضور آمریکا و شرکای غربی در آسیای میانه و قفقاز ناراحت است. فرانسه پرریوز ۱۸۰ نظامی را برای آماده کردن یک پایگاه نظامی برای حضور مؤثر نظامیان فرانسه به قرقیزستان فرستاده و سران روسیه، نارضایتی خود را از این وضع بعد از سقوط طالبان ابراز می‌کنند.

در افغانستان، بعد از موج وسیع کمک‌های جهانی، باز مسأله قحطی آن هم در فصل زمستان و نیز بروز ناامنی‌ها باعث نگرانی آمریکایی‌ها و عثمان‌شان شده و ربابندگان دانیل پرل، [خبرنگار روزنامه وال‌استریت ژورنال] با پخش شایعات مرگ و معامله با اعصاب آمریکایی‌ها بازی می‌کنند. بگومگوی ایران و آمریکا بر سر تهدید جورج بوش در سطح رسانه‌های جهانی ادامه دارد.

[خانم دل‌امینی زوما] وزیر امور خارجه آفریقای جنوبی آمد؛ خانمی سیامپوست است. در مورد مسایل آفریقا و راه‌های همکاری مذاکره شد. آقای [محمدحسین] دانا، مشاور وزیر نفت در امور دریای خزر [و مدیرعامل شرکت نفت دریای خزر] آمد و گفت، استحصال نفت و گاز از دریای خزر متوقف و حل مشکل نظام حقوقی سپس داشتن وسایل حفاری در اعماق آب‌هاست. گفتم برای حل مشکل نظام حقوقی، رئیس‌جمهور باید فعال شود و در مورد ابزار کار و نظارت نفت بیشتر باید تلاش کنند. با تقویت کشتی‌سازی شمال و خریدن ابزار پیشرفته می‌توانیم، سرعت کار را زیاد کنیم.

آقای [علی] باقری، معاون [پارلمانی] وزیر اطلاعات آمد. گزارشی از پرونده [شهرام] جزایری داد و از قوه قضائیه انتقاد داشت که بدون هماهنگی با [وزارت] اطلاعات، دادگاه را شروع کرد و اسامی زیادی را اعلام کردند. انتقادش بیشتر متوجه آقای [عباسعلی] عزیزاده [رئیس کل دادگستری استان تهران] است. برای ایجاد وفاق بین نیروهای انقلاب مشورت کرد. گفتم، هماهنگی بین قوا از وظایف رهبری است و ایشان می‌توانند. معتقد است، رهبری اعتمادی به جریان چپ ندارند و این کار را مشکل می‌کند. از من خواست که کمک کنم.

عصر آقای جلال طالبانی، [دبیرکل حزب اتحادیه میهنی کردستان] و همراهانش آمدند. اوضاع کردستان عراق را توضیح داد. سهمی از فروش نفت عراق را برای امور عمرانی و آموزش و غذا از سازمان ملل می‌گیرند اما نمی‌توانند، اعتبارات عمرانی را جذب کنند. درخواست داشت برای جذب آن کمک‌شان کنیم. نیاز به برق دارند. خواهان هماهنگی ایران و مجلس اعلاى عراق در صورت حمله آمریکا به عراق است.

دکتر [عبدالله] جاسبی، [رئیس دانشگاه آزاد اسلامی] آمد. در مورد تأسیس دانشگاه اینترنتی صحبت شد و گفتم، دفتری برای هیأت امانا در دانشگاه مهیا کند که فعال‌تر شویم. شب با رهبری جلسه داشتیم. در مورد مسأله [دادگاه شهرام] جزایری و اعلام اسامی، صحبت شد. گفتند، آقای خانمی، [رئیس‌جمهور] انتقاد داشتند و قاعدتا آنها که پولی برای مصارف خیر گرفته‌اند و جرمی مرتکب نشده‌اند، محکوم نمی‌شوند. در مورد اظهارات آقای [مهدی] کروی در مجلس انتقاد داشتند و آن را اشتباه سیاسی می‌دانند. در مورد تهدید آمریکا و احتمال خطر درگیری بحث شد؛ خطر را محتمل می‌دانند.

چهارشنبه ۱۷ بهمن

نامه دولت عراق به دبیرکل سازمان ملل

به دنبال بمباران مرکزی در موصل و کشته شدن چهار نفر، دولت عراق طی نامه‌ای به [کوفی عنان]، دبیرکل سازمان ملل اطلاع داد که حاضر است بدون قید و شرط درباره بازرسی مجدد مذاکره کند. معلوم نیست که آمریکا به این مقدار قانع شود و قاعدتاً خواستار پذیرش بازرسان بدون قید و شرط خواهد شد. پیش‌بینی می‌شود که عراق اگر حمله را جدی ببیند، در آخرین لحظات تسلیم شود. امروز جواب دادند که برگشت بازرسان قابل مذاکره نیست.

تقویم: نماد گذار از کمونیسم

از «۱۲ ژوئن ۱۹۸۲» که بوریس یلتسین به‌عنوان نخستین رئیس‌جمهور روسیه انتخاب شد ۴۳ سال گذشت. او نخستین رئیس‌جمهور فدراسیون روسیه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی بود؛ چهره‌ای بحث‌برانگیز و تأثیرگذار در تاریخ معاصر روسیه. یلتسین با خروج از حزب کمونیست و ایستادگی مقابل کودتای نظامی ۱۹۹۱ به نماد گذار از کمونیسم به دموکراسی تبدیل شد؛ اما دوران ریاست‌جمهوری‌اش با بحران‌های شدید اقتصادی، خصوصی‌سازی گسترده، فساد اداری و جنگ در چچن همراه بود. او در حالی که روسیه‌ای ضعیف اما جدید را پایه گذاشت در سال ۱۹۹۹ به‌طور ناگهانی استعفا داد و قدرت را به ولادیمیر پوتین سپرد. میراث او همچنان محل مناقشه است. نگاه به او در روسیه، دوگانه است: برخی او را پایه‌گذار روسیه نوین می‌دانند و برخی دیگر عامل فروپاشی و بی‌ثباتی؛ با این حال یلتسین اصلاح‌طلب بود یا خودکامه‌ای ناکام؟ تاریخ باید به این پرسش پاسخ دهد.

فرزند ناخلف

درباره حسین جنتی، عضو سازمان منافقین که علیه انقلاب اسلحه به‌دست گرفت

علیرضا گوهری

گروه تاریخ

در تاریخ انقلاب‌ها، بعضی از بزرگ‌ترین گسل‌ها، نه در میدان‌های جنگ یا جلسات سیاسی که درون خانه‌ها شکل می‌گیرند. درون بیوت، پشت درهای بسته و زیر سقفی به نام خانه؛ جایی که راه پسران و پدران از هم جدا می‌شود و هر دو با باورهای متضاد به یکدیگر می‌نگرند. برخی از سیاست‌مداران، مبارزان و مسئولین جمهوری اسلامی نیز از این الگو مستثنا نبوده‌اند؛ جایی که پدران از تبار روحانی بودند اما پسرانشان، گاه با فاصله‌ای دردناک، در جبهه مقابل آنها قرار گرفتند یا به مسیری افتادند که پدر در برخی سخت‌گرفتار آمده است. آنچه این روزها، در خصوص فرزند و عروس کاظم صدیقی رخ داد، یادآور اتفاقاتی است که در تاریخ جمهوری اسلامی چندین بار رخ داده است. پسرانی که یا از جایگاه پدر سوء استفاده کردند یا خلاف مشی سیاسی پدر قدم برداشتند. در نتیجه پدرانی بودند که از پسران خود تبری جستند و بالعکس پدرانی نیز به حمایت از پسران خود پرداختند. از فرزندان آیت‌الله محمدی‌گیلانی تا کاظم صدیقی نمونه‌های مختلفی است که پدران گرفتار فرزندان خود شدند. اگرچه کاظم صدیقی اعلام کرد: «همه باید حافظ قانون باشند. عدلیه و قانون را فصل‌الخطاب می‌دانم و همواره خود را حافظ قانون دانسته‌ام؛ اگر قانون درباره بستگانم تصمیمی بگیرد، تابع قانون هستم، در این مورد نیز اگر اتهامی که منتسب کرده‌اند، ثابت شود، بر اساس قانون باید برخورد شود» اما روحانیون دیگری نیز بودند که از انحراف پسر، خصوصاً انحراف سیاسی از او تبری جستند. نمونه آن آیت‌الله احمد جنتی است که این روزها مصادف با مرگ پسرش حسین جنتی، عضو سازمان منافقین، است.

حسین جنتی نمونه شاخص این جدایی پرهزینه است؛ فرزند

آیت‌الله احمد جنتی، یکی از چهره‌های کلیدی سیاست در ایران. حسین جنتی، ابتدا، دانش‌آموزی مذهبی در قم بود؛ سپس، به فعال سیاسی در دوران پهلوی تبدیل شد و سرانجام، یکی از اعضای رادیکال سازمان مجاهدین خلق (منافقین) شد که تیغ بر جمهوری اسلامی کشید وارد جنگ مسلحانه با آن شد. او در ۲۳ خرداد ۱۳۶۱، در جریان درگیری با نیروهای سپاه کشته شد. روایت‌های غیررسمی می‌گویند آیت‌الله جنتی پس از مرگ او، «روژه شکر» گرفت. البته در ابتدای انقلاب، این فقط حسین جنتی نبود که به چنین مسیری رفت؛ پسر آیت‌الله محمدی‌گیلانی و نیز پسر آیت‌الله طالقانی نیز از این دسته بودند. از این جدایی‌ها در واقع، در حافظه سیاسی ایران، به‌عنوان نماد شکاف ایدئولوژیک در برخی از خانواده‌های انقلابی یاد شده است.

سازمان مجاهدین خلق که بعدها به دلیل نفاقشان، «منافقین» نام گرفت، در دهه ۱۳۶۰، به اپوزیسیونی مسلح بدل شد. آنها درصدد بودند پس از پیروزی انقلاب در مصدر امور قرار بگیرند و حکمرانی را از آن خود کنند؛ اما پس از شکست در رسیدن به قدرت در سال‌های ابتدای انقلاب، وارد فاز خشونت‌آمیز شدند و با انجام ترورهای گسترده، بمب‌گذاری‌ها و عملیات‌های چریکی، نقش مهمی در بی‌ثبات‌سازی کشور و گسترش تروریسم در ایران ایفا کردند. آنها بعدتر نیز کنار ارتش صدام حسین در جنگ ایران و عراق قرار گرفتند و در عملیات مرصاد در تابستان ۱۳۶۷، همراه عراق شدند و تقابل را به نقطه اوج رساندند؛ عملیاتی که البته با شکست سنگین و مرگ بسیاری از آنها از جمله همسر حسین جنتی، فاطمه سروری، همراه شد.

حسین جنتی در سال ۱۳۳۰، در قم متولد شد؛ شهری که بعدها به شهری مهم در تحولات سیاسی ایران تبدیل شد و پایگاه روحانیون پرنفوذ شد. او تحصیلات متوسطه را در دبیرستان حکمت گذراند و از همان دوران به فعالیت‌های سیاسی علاقه

نشان داد. فروش جزوه‌های مذهبی به‌بهای زندان تمام شد. با گسترش اعتراضات ضدحکومتی در دهه ۵۰، او به مبارزین پیوست و کنار سازمان مجاهدین خلق فعالیت کرد. مسیر او اما پیچیدگی‌های خاص خود را داشت: ابتدا، در زندان به حلقه مذهبی‌ها نزدیک شد اما پس از آزادی، راه خود را با سازمان مجاهدین خلق ادامه داد. در همان دهه، در فضایی که مبارزات سیاسی و اختلافات ایدئولوژیک به شدیدترین شکل ممکن بروز می‌کردند، حسین جنتی مسیر خود را برگزید؛ راهی که او را به نقطه بی‌بازگشت رساند.

پس از انقلاب، او به‌عنوان یکی از اعضای برجسته سازمان مجاهدین خلق در صحنه سیاسی ایران حضور داشت و مدتی مسئول دفتر جنبش مجاهدین در اصفهان و حتی برای نمایندگی مجلس نیز کاندیدا شد، اما راهی به قدرت نیافت. با اعلام جنگ مسلحانه از سوی سازمان، زندگی او نیز دستخوش تحولات اساسی شد. او و همسرش، فاطمه سروری، به زندگی مخفی روی آوردند و جنگ مسلحانه علیه جمهوری اسلامی و انقلاب تازه تأسیس را آغاز کردند. با این حال، به‌سرعت لورفتند و نیروهای انقلابی و سپاه به‌سرعت حلقه محاصره برای آنها تنگ کردند. در نتیجه ۲۳ خرداد ۱۳۶۱، حسین جنتی در یک نبرد مسلحانه با نیروهای سپاه کشته شد اما همسرش موفق به فرار شد.

پدرش، آیت‌الله احمد جنتی، از چهره‌های انقلاب نه‌تنها با مسیر فرزند خود موافق نبود، بلکه گفته می‌شود که پس از کشته شدنش، روزه شکر گرفت.

همسر حسین، فاطمه سروری، از ایران گریخت و به عراق رفت و فعالیت خود را در سازمان منافقین ادامه داد؛ اما او نیز در جریان عملیات مرصاد کشته شد. آنها فرزندی داشتند به نام عاصف که به پدربزرگش، آیت‌الله احمد جنتی سپرده شد و او نیز بعدها، در یک حادثه رانندگی جان باخت.

